

# انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۸۱

جمعه ۲۳ مهر ۱۳۹۵، ۱۴ اکتبر ۲۰۱۶

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

توحش به توان صدا!

قانون کار اسلامی:

از "باب اجاره" تا "باب ریاضتکشی"

گامی بجلو در مبارزه علیه پرونده سازیهای امنیتی

صفحه ۵

فعالانه به کارزار

لغو احکام امنیتی بپیونددید

صفحه ۱۲

کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و مردم معترض

شهلا دانشفر

صفحه ۱۰

بمناسبت ۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام

برای جهانی فارغ از اعدام و جنایت

صفحه ۱۱

## حزب و جنبشهای اعتراضی

مصاحبه کانال جدید با حمید تقوایی

صفحه ۲

با اعتراضی سراسری

با لایحه "اصلاح قانون کار" مقابله کنیم

شهلا دانشفر

ریبعی وزیر کار از قرار گرفتن لایحه اصلاح قانون کار در دستور کار مجلس خیر می‌دهد. لایحه اصلاح قانون کار "لایحه تشدید ریاضت اقتصادی دولت در قبال زندگی و معیشت کارگران بعد از برجام است. این لایحه قدمی عملی در جهت همان سیاستی است که محمدرضا کارگر مدیر کل توسعه اشتغال و سیاستگذاری بازار کار، به عنوان نماینده دولت در نشست مرداد ماه اطاق بازرگانی تحت عنوان "ارزان سازی نیروی کار" از آن خبر داد و آمادگی دولت را برای دراختیار گذاشتن نیروی کار ارزان به کارفرمایان اعلام داشت. و این در

واقع لب و اساس سیاست دولت روحانی بعد از برجام برای جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی است که بطور واقعی نقطه تفاهم کل حاکمیت نیز همین جاست. تا بلکه بتواند تکانی به اقتصاد از نفس افتاده جمهوری اسلامی بدهد. بویژه اینکه با بی سرانجام ماندن برجام و فلج شدن اقتصادشان، تشدید ریاضت اقتصادی بر کرده کارگران و کل جامعه تنها گزینه دولت "تدبیر و امید" برای بیرون کشیدن چرخهای اقتصاد از منجلابی است که در آن گیر کرده است. سیاستهای تا کنونی دولت و انواع و اقسام طرحها و لوایح ارائه شده تا کنونی و نمونه اخیر آن طرح

افزافه شدن مناطق اقتصادی ویژه نیز تماما در همین جهت بوده است و اکنون میکوشند که با "لایحه اصلاح قانون کار" تیر خلاص نهایی را شلیک کنند. اگر چه باختشان در این زورآزمایی نیز از پیش قابل تصور است. این را در سخنان ضد و نقیضی شان بر سر همین موضوع به روشنی میتوان دید. از جمله از امکان خارج شدن آن از دستور مجلس و پس گرفتنش سخن گفتند، حتی با رسوایی تمام دوبند از قانون کار را جعل کردند و الان هم یک تکه کلام دولت اینست که این طرح مربوط به

صفحه ۳

عزاداری حکومتی

سیامک بهاری

صفحه ۹

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۶

انتخابات آمریکا تکرار مشمنز کننده یک داستان همیشگی

گفتگو با علی جوادی درباره مبارزات انتخاب رئیس جمهور در آمریکا

صفحه ۴

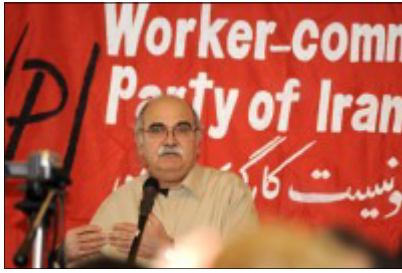


خارج کشور  
جای مزدوران  
حکومت اسلامی  
نیست!

صفحه ۱۱

# حزب و جنبشهای اعتراضی

## مصاحبه کانال جدید با حمید تقوایی



**سیما بهاری:** تعریف شما از جنبش های اعتراضی چیست. از نظر شما کدام جنبش ها قابل پشتیبانی اند و کدامها نیستند؟

**حمید تقوایی:** جنبش يك حرکت اجتماعی است که در اعتراض به مساله معینی صورت میگیرد و معمولاً بخشی از فعالین و مردمی که آن مساله مستقیماً به آنها مربوط میشود در آن دخیل و سهیم هستند. البته اعتراضات و مبارزات مقطعی و موردی هم در جامعه صورت میپذیرد که نمیتوان آنها را جنبش نامید. جنبش باید تداوم داشته باشد، چهره ها و فعالین شناخته شده ای داشته باشد، امر و اهداف معینی را در دستور بگذارد که با يك اعتراض و یا تظاهرات و اعتصاب بست نمی آید و مستلزم يك مبارزه پیگیر و ادامه دار است و غیره. بعبارت دیگر جنبشها شکل متعین تری از اعتراضات و مبارزات موردی دارند، پلاتفرم و خواستههای تعریف شده و اعلام شده ای دارند، خواست و هدف خود را با اشکال مختلفی از مبارزه در مقاطع مختلف دنبال میکنند، و معمولاً نهادها و تشکلهای سازماندهی در جنبشها دخیل هستند. ازینرو باید گفت جنبش دارای يك معنی و خصلت متفاوت و فراتری از صرف مبارزه و اعتراض است.

اما در مورد بخش دوم ستونال شما در رابطه با قابل حمایت بودن جنبشها. ما از جنبش و کلا مبارزه ای پشتیبانی میکنیم که علیه تبعیض باشد، حق طلبانه باشد، حقوق انسانی و مدنی توده مردم و یا بخشی از جامعه را مطالبه کند و به این معنی يك حرکت مترقی و پیشرو بحساب بیاید. جنبشها میتوانند ارتجاعی باشند. مثل جنبش اسلامی که در زمان شاه در اپوزیسیون بود و گرچه امروز در ایران به حکومت رسیده ولی در کشورهای دیگری در منطقه هنوز به شکل يك

جنبش وجود دارد. این يك جنبش کاملاً ارتجاعی است که نه تنها قابل پشتیبانی نیست بلکه باید با آن مقابله کرد و آنرا نقد و افشا کرد و به عقب راند. نمونه دیگر اعتراضات و جنبشهای ناسیونالیستی و قومی بر مبنای تعصبات ملی- نژادی در کشورهای مختلف است. مثلاً جنبش ناسیونالیسم ترك در ایران يك جنبش ارتجاعی است. میخوامم بگویم حول اهداف و شعارهای ارتجاعی هم ممکن است بالاخره بخشی از جامعه را به حرکت درآورد. وظیفه نیروهای چپ و آزادیخواه در قبال این نوع جنبشها مقابله فعال با آنها است.

بنابراین اینکه چه جنبشی قابل پشتیبانی هست یا نیست اساساً به مضمون و خواست و هدف آن جنبش مربوط میشود. در شرایط حاضر جنبشهای متعددی با خواستههای انسانی و حق طلبانه و آزادیخواهانه و ضد تبعیض در ایران وجود دارد. جنبش برای آزادی زن و جنبش علیه آپارتاید جنسی که مدتهاست - از زمان آغاز روی کار آمدن جمهوری اسلامی - ادامه دارد و امروز مساله شرکت زنان در فعالیتهای ورزشی به يك امر برجسته این جنبش تبدیل شده است. بروز مشخص دیگر این جنبش اعتراض علیه حجاب و "بدجایی" زنان است که امروز بقول خود مقامات حکومتی به جنبش بی حجابی تبدیل شده است. يك جنبش مهم و پیگیر دیگر جنبش کارگران برای افزایش دستمزد است که جنبش سابقه دار و فعالی است و تا کنون در اشکال مختلفی نظیر طومار چهل هزار امضا و انتشار اطلاعیه ها و بیانیه های متعدد و اعلام میزان حداقل دستمزد از جانب نهادها و فعالین کارگری بروز یافته است. و یا نمونه دیگر جنبش حق تشکل که يك خواست پایه ای کارگران است از جانب فعالین و کمیته ها و

سازماندهایی که این فعالین ایجاد کرده اند دنبال میشود. جنبش دیگری که در شرایط امروز در حال شکل گیری است جنبش دادخواهی از کشتارهای دهه شصت است. يك جنبش اجتماعی دیگر جنبش علیه اعدام است که جنبش با سابقه ای در ایران است و قدمهای بزرگی هم بجلو برداشته است. اینها همه نمونه های مشخصی است از جنبشهای اعتراضی حق طلبانه و ضد تبعیض که حزب ما حمایت از آنها را وظیفه خود میداند. و تلاش میکند این جنبشها گسترده تر و فعالتر بشوند و متحد تر و قویتر به پیش بروند. این امر همیشگی حزب ما بوده است. در مواردی هم حزب پیشقدم بوده و ابتکار عمل را بدست داشته است نظیر جنبش علیه اعدام و یا علیه سنگسار - که در این مورد جمهوری اسلامی را وادار کردیم عملاً سنگسار را متوقف کند و در حال حاضر حتی مترجع ترین آخوندهای حاکم جرات نمیکنند علناً از سنگسار دفاع کنند. جنبش علیه اعدام هم قدمهای زیادی به پیش برداشته بطوریکه الان گفتمان لغو تربیجی اعدام و اینکه اعدامها فایده ای نداشته است و باعث بی آبرویی نظام شده و غیره به موضوع مجادله حتی در میان صفوف حکومتی ها بدل شده است. حزب ما با شعار اعدام قتل عمد دولتی است پیشرو جنبش علیه اعدام است. پرچم جنبش دفاع از حقوق کودک را نیز ابتدا حزب ما برافراشت. میخوامم بگویم حزب نه تنها در جنبشهای حق طلبانه جاری دخیل و فعال است بلکه در بسیاری موارد پرچم حرکت را خود حزب بلند کرده و ابتکار عمل را در دست داشته است.

**سیما بهاری:** آیا کل احزاب سیاسی و خصوصاً احزاب چپ با همین متد با جنبش های مبارزاتی موجود برخورد می کنند. اگر نه چرا و فرق

شما با دیگر احزاب چپ در چیست؟ **حمید تقوایی:** متأسفانه همه احزاب چنین متد و روشی ندارند. در جامعه نیروها و سازماندهی وجود دارند که خود را کمونیست مینامند ولی اصرار چندانی برای درگیر شدن در مبارزات جاری برای تغییر وضع موجود ندارند.

ابتدا باید گفت که آنچه در پاسخ به سؤال قبل در مورد جنبشهای حق طلبانه و ضرورت حمایت از آنها مطرح کردم در چارچوب مفاهیم و عبارات و فرمولبندیهای سیاسی چپ موضوع را توضیح میدهد ولی اگر کمی عمیق تر بشویم به بحث و توضیح چندانی نیاز نیست.

موضوع بسادگی اینست که کمونیسم بنا به تعریف علیه تبعیض در هر سطح و عرصه ای و علیه فقر و بیحقوقی است: علیه تبعیض جنسیتی، علیه تبعیض نژادی، علیه تبعیضات اقتصادی و دره عمیقی که بین فقر و ثروت هست، علیه دخالت مذهب در زندگی اجتماعی و خصوصی مردم، علیه مذهب و دخالت مذهب در دولت و قوانین و سیستم آموزشی و قضائی، علیه سلب و محدود و مشروط کردن آزادیهای سیاسی و مدنی و غیره.

وقتی کمی از عبارات و فرمولهای سیاسی - نظری فاصله بگیریم و فرمول اینکه چه حرکتی قابل پشتیبانی هست و یا نیست را کنار بگذاریم به امر ساده و سراسری میرسیم. این امر که هر جا هر انسانی در هر گوشه این کره خاکی تحت اجحاف و فشار بیحقوقی و فقر و انواع محدودیتهای سیاسی و اجتماعی قرار گرفته است ما کمونیستها وظیفه داریم از او حمایت کنیم. نه تنها حمایت بلکه وظیفه داریم متشککش کنیم، سازمانش بدهیم، متوجهش بکنیم که برای حل مساله اش باید خودش دست بکار بشود، باید سازمان پیدا کند و بمیدان

بیاید. مهم نیست که این مساله آزادیهای سیاسی است و یا افزایش دستمزد و بهبود شرایط معیشتی است یا تبعیض جنسیتی است یا بی حقوقی هائی که به مردم منسوب به مذاهب دیگر مثل بهائیان و یهودیها و دراویش و سنی ها و غیره اعمال میشود. مقابله با این مصائب از تئوریهها و عقاید ما ناشی نمیشود، از انساندوستی عمیق کمونیستی ناشی میشود.

ما مخالف هر درجه و هر سطحی از بی حقوقی و فقر و تبعیض در جامعه هستیم. هر کس خود را کمونیست بداند، کمونیسمی که مارکس مطرح میکند و ما آنرا کمونیسم کارگری مینامیم، احتیاجی به تئوری برای حمایت و یا دخالتگری در این جنبشها ندارد. بنا به تعریف کمونیسم همین است. افراد را کمونیسم روی می آورد قبل از هر چیز برای آنکه دنیای موجود را با همه این مسائل و مصائب اش نمیخواهند و نمی پذیرند. برای اینکه میخواهند این دنیا را تغییر بدهند و بنابراین هر درجه مبارزه برای رفع این بیحقوقی ها و مصائب و بهبود وضع مردم را امر خود میدانند و در این مبارزات فعالانه دخالت میکنند. دفاع از انسان و انسانیت و مبارزه علیه فقر و بیحقوقی و تبعیض در هر سطحی از جامعه نقطه عزیمت کمونیسم کارگری است.

"کمونیسم" هائی که محتاج تئوری و فرمولبندی هستند از همین امر پایه ای دور شده اند. کمونیسم در دست طبقات دیگر تبدیل شده به جنبشی برای صنعتی کردن، برای استقلال، برای بازگشت به "فرهنگ خودی"، برای بیگانه ستیزی، ضد آمریکائیگری و غیره. طی چندین دهه اخیر این نوع گرایشات و جنبشها خود را کمونیسم نامیده اند. ما اینها را چپ سنتی یا کمونیسم

## با اعتراضی سراسری با لایحه "اصلاح قانون کار" مقابله کنیم

از صفحه ۱

دولت قبلی است و باید مجلس آتر روشن کند، تا اگر مجبور به عقب نشینی شد، خود را کنار بکشد. طبعاً پشت پرده نیز رایزنی ها با دارودسته های حکومتی و شورا اسلامی چی ها در جریان است تا بلکه اجماعی صورت گیرد. در کنار این آشفته بازار مجلس هم دارد کار خودش را میکند و بختشان را آزمایش میکند.

نکته مهم اینجاست که با شروع بحث لایحه "اصلاح قانون کار" در مجلس، موضوع داغتر و صف بندی ها آشکار تر شده است. از جمله در یکسوی این کشاکش نهادهای دست ساز دولتی چون شوراهای اسلامی و دارودسته هایشان قرار دارند، چرا که یک سمت و سوی این لایحه زدن زیر آب آنهاست. و آنها با سینه زدن پشت قانون کار ضدکارگری موجود سعی دارند، اعتراضات کارگران به این تعرض وسیع و گسترده را دستمایه ای برای حفظ موقعیت و سهم خواهی خود کنند. همچنین جریاناتی را می بینیم که تحت عنوان اینکه برای عقب زدن این لایحه ضدکارگری باید از قانون کار موجود دفاع کرد، تلاش دارند، جنبش اعتراضی کارگری را به کل این بردگی و بربریت تسلیم کنند و در چهارچوب حفظ نظام و قوانینش خفه کنند.

از سوی دیگر و در مقابل همه این تشبثات جنبش اعتراضی کارگران قرار دارد که از حق داشتن زندگی انسانی برای کارگران و کل جامعه سخن میگویند. اعتراضش را علیه زندگی زیر خط فقر بلند کرده و خواستار تامین اجتماعی شایسته انسان است. علیه سرکوب گری های حکومت و امنیتی کردن مبارات کارگران و کل جامعه قد علم کرده و از حق تشکل، اعتصاب و آزادی های سیاسی پایه ای در جامعه سخن میگوید. و در رابطه با این لایحه معین نیز خواستار لغو فوری و خارج شدن آن از دستور مجلس است. یک نمونه اش اتحادیه آزاد کارگران ایران است. در بخش پایانی بیانیه اخیر این تشکل کارگری تحت عنوان آنچه که لازم است ما کارگران در باره لایحه اصلاحیه دولت بدینام "کارگران را به

اعتراضی سراسری علیه این لایحه در اشکالی چون تجمع، راهپیمایی، طومار نویسی و تحصن در برابر ادارات کار سراسر کشور فراخوانده و سخنان اینست که با چنین مبارزاتی نه تنها میتوان این تعرض را عقب زد بلکه میتوان خواستار افزایش فوری دستمزدها، بر چیده شدن قراردادهای موقت، حق برپایی تشکلهای مستقل کارگری و... شد.

### "نگاهی دوباره به لایحه اصلاح قانون کار"

تغییرات اساسی لایحه "اصلاح قانون کار" در جهت قانونیت بخشیدن به دستمزدهای چند بار زیر خط فقر و آماده کردن شرایط برای تعرض بیشتر به سطح زندگی کارگران، امنیتی کردن محیط های کار و سرکوب هر اعتراضی با چماق سرکوب و بیکاری و بازگذاشتن دست کارفرمایان به اخراج کارگران، تشدید تبعیض علیه زنان کارگر و تعرض بیشتر به دستمزدها و شرایط کار آنان و... قرار دارد. به موارد آن نگاهی بیندازیم:

یک بخش از تغییرات لایحه "اصلاح قانون کار" بر ماده ۴۱ قانون کار فعلی است. با تغییرات در بند ۲ ماده ۴۱ قانون کار عملاً ضرورت تعیین حداقل مزد به عنوان یک ضابطه سراسری موضوعیت خود را از دست میدهد. و این یک تعرض جدی به سطح دستمزدها کارگران است که در جهت چانه زنی فردی کارگر با کارفرما بر سر دستمزدها و نبود هیچگونه استاندارد سراسری برای میزان دستمزدها کارگر است. بعلاوه اضافه شدن مولفه وضعیت اقتصادی کشور به عنوان معیاری برای تعیین میزان دستمزدها، به معنای تعیین هر مبلغی که منافع سرمایه داران حریص و مفتخور اقتضا کند، تحت عنوانی چون بحران اقتصادی، تحریم اقتصادی، کمبود نقدینگی و هزار بهانه دیگر از همین دست و قانونیت دادن به دستمزدهای چند بار زیر خط فقر کنونی است. این کار مجوزی قانونی برای انجماد و یا کاهش مزدها در دوره های بحرانی و انداختن بار بحران بر گرده کارگران و کل جامعه است.

تغییرات در ماده ۴۱، با مواد

۴۷ و ۴۸ لایحه "اصلاح قانون کار" تحت عنوانی "تعیین در آمد کارگران بر مبنای بهره وری" و "استقرار مناسبات صحیح در زمینه مزد" تکمیل میشود و گام عملی مهمی در جهت تحمیل ریاضت اقتصادی بیشتر به کارگران و کل جامعه است. مورد قابل توجه دیگر در بحث مربوط به تعیین دستمزدها در این لایحه حذف بانک مرکزی بعنوان مرجع تعیین درصد تورم و آوردن عبارت کلی "مراجع ذیصلاح قانونی" به جای آنست. که این خود تعیین میزان دستمزدها را از آنچه که امروز هست نیز دلبخواهی تر میکند.

از سوی دیگر در تغییرات مربوط به این بخش در این لایحه عملاً تلاش شده است که دریافت کنندگان دستمزد بالای حداقل نیز به صف دریافت کنندگان حداقل مزد چندین برابر زیر خط فقر رانده شوند.

جنبه قابل توجه دوم لایحه "اصلاح قانون کار" مواد ۲۷ و ۲۸ است. هدف این دو ماده امنیتی کردن کامل محیط کار و گرفتن چماق اخراج بر سر کارگران معترض است. ماده ۲۷ بخش تماماً در مورد اخراج کارگران با تصمیم کمیته انضباطی کارخانه است و بر اساس آن قرار است "تخلفات کارگران" در این کمیته به بحث و تصمیم گیری گذاشته شود. ماده ۲۸ نیز با گرده زدن اخراج "نمایندگان کارگران" به مدت قرارداد، اجازه میدهد که کارفرما به محض پایان یافتن قرارداد این کارگران، بدون مراجعه به آرا "هیات های تشخیص و حل اختلاف" آنها را از کار بیکار کند.

جالب اینجاست که در اینجا بحث بر سر همین شوراهای اسلامی، این تشکلهای دست ساز دولتی و نمایندگان است. که در اصلاحیه قانون کار، حتی وجود اینها نیز برایشان در دسر را است. دلیلش نیز به سادگی اینست که خیلی وقت ها کارگران بند ناف این نهادها را از اداره کار و حراست و قانون شوراهای اسلامی قطع کرده اند. ماده ۲۸ می خواهد به این وضع خاتمه دهد و بدون هیچ واسطه ای و از طریق کمیته های انضباطی محیط های کار را تحت کنترل کامل خود داشته

باشد.

جنبه قابل توجه دیگر لایحه "اصلاح قانون کار" ماده ۴ آنست که با اضافه شدن بندهایی به ماده ۲۱ قانون کار تماماً در خدمت ساده کردن بیکار سازی کارگران تحت عنوانی چون تغییر ساختار صنایع در اثر الزامات قانون و مقررات یا شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و تغییرات گسترده در فن آوری و تعطیلی کارخانجات، فسخ قرار داد با تصمیم کمیته انضباطی کارگاه و احاله اخراج کارگر به توافق کارگر و کارفرما است. این بند همانطور که اشاره کردم با میدان دادن به کمیته های انضباطی، چماق اخراج را بر سر کارگر معترض گرفته است.

از همین رو ماده ۴ لایحه "اصلاح قانون کار" یکی از جنجال برانگیزترین مواد است. گفتنی است که در ماده ۴ اصلاحیه قانون کار در دولت احمدی نژاد این تغییرات با اضافه شدن بندهای (ح)، (ز) و (ط) به ماده ۲۱ قانون کار آمده بود. اما با کنار رفتن کلیت آن لایحه در آن هنگام، تغییری هم در بند ۲۱ صورت نگرفت. و اکنون این موارد بصورت موادی از "لایحه اصلاحیه قانون کار" دولت روحانی دوباره به جلو کشیده شده است. در رابطه با همین موارد بود که دولت با دیدن فشار اعتراضات کارگری، و احتمال پس گرفتن کل لایحه "اصلاح قانون کار" دو بند ح و ز را که مربوط به فسخ قراردادها و اخراج کارگران است، بصورت جعلی وارد قانون کار منتشر شده سال ۹۴ کرد. که این رسوایی از سوی کارگران و مشخصاً اتحادیه آزاد کارگران ایران افشاء شد.

و بالاخره وجه مهم دیگر لایحه "اصلاح قانون کار" در مورد شرایط کاری زنان کارگر است. از جمله اضافه شدن ماده ۷۸ مکرر در مورد توافق کارفرما با زنان سرپرست خانوار بر سر دورکاری کارگران زن در تمامی ساعات کار هفتگی و یا قسمتی از آن است.

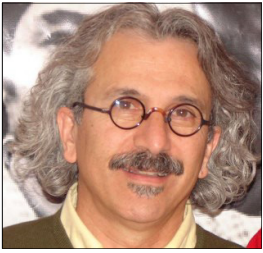
مدتهاست که بحث بر سر دورکاری زنان و دور کردن آنها از جامعه و محیط های کاری در جریان است و در خیلی جاها نیز به آن عمل میشود. این طرح قدمی در جهت "طرح جامع افزایش جمعیت و تعالی خانواده" و پاسخی به فتوای خامنه

ای برای افزایش جمعیت و "لشگر اسلام" بود. هدف این طرح خانه نشین کردن زنان و در عین حال استفاده از نیروی ارزان کار آنان بود. و در شرایطی که زنان، خصوصاً زنان سرپرست خانواده از کوچکترین خدمات اجتماعی برای نگهداری فرزندانشان محرومند و در عین حال نیاز به اشتغال و کسب درآمد دارند، ناگزیر شدند به آن تن دهند. با این شکل از کار، زنان کارگر با کمترین دستمزد، و محروم از حتی همان حداقل ضوابط تعیین شده در قانون کار، در کنار کار خانگی، کار تولیدی میکنند. لایحه "اصلاح قانون کار" به این بردگی و استثمار خانگی قانونیت میدهد.

با مبارزه ای متحد و سراسری در برابر این تعرض وسیع و همه جانبه جمهوری اسلامی که تحت عنوان "اصلاح قانون کار" قرار است به قانون تبدیل شود، بایستیم و خواستار لغو فوری این لایحه شویم. این مباحث را به موضوع مهم بحث در مجامع عمومی خود تبدیل کنیم و برای مبارزه علیه آن تصمیم گیری کنیم و به هر شکل که میتوانیم اعتراض کنیم. علیه آن تجمع اعتراضی برپا کنیم. طومارهای اعتراضی بنویسیم و در مقابل ادارات کار سراسر کشور تحصن کنیم. کاری کنیم که دولت فوراً این لایحه را از مجلس جمع کند. بویژه اکنون که بحث بر سر قانون کار است، با خواسته های سراسری خود، چون افزایش فوری دستمزدها و دستمزد بالاتر از خط فقر اعلام شده دولت، یعنی بالاتر از سه میلیون و پانصد هزار تومان فوری، درمان رایگان برای همه، تحصیل رایگان برای همه کودکان، مسکن مناسب و داشتن یک زندگی انسانی به میدان آییم. خواستار متوقف شدن فوری اخراج ها و بیمه بیکاری برای همه کارگران بیکار اعم از زن و مرد شویم. خواستار برابری زن و مرد و شرایط یکسان کاری و مزد برابر زنان و مردان و لغو هرگونه تبعیض جنسیتی علیه زنان در محیط های کار شویم. خواستار پایان دادن به امنیتی کردن محیط های کار و کوتاه شدن دست ارگانهای سرکوب از جمله حراست، کمیته های انضباطی و غیره از محیط های کار

# انتخابات آمریکا تکرار مضمّن کننده یک داستان همیشگی

## گفتگو با علی جوادی درباره مبارزات انتخاب رئیس جمهور در آمریکا



دستمزد از ۹ دلار ساعت به ۱۵ دلار در ساعت، مجانی کردن آموزش عالی، بخشودگی بدهی های دانشجویی، دور از دسترس کردن انتخابات آمریکا از دست نهادهای متعدد سرمایه و وال استریت، بیمه پزشکی رایگان برای همگان، از جمله سوزده های مطرح در جناح چپ هیات حاکمه بودند. در جناح چپ طبقه حاکمه بخشهایی خواستار گسترش و بسط سیاستهای بعضاً "کینزی" اوباما بودند. نماینده این گرایش برنی ساندرز بود.

اما با به پایان رسیدن دوره مقدماتی انتخاباتی و تعیین نمایندگان هر حزب، این مباحث نیز عملاً به کناری زده شدند. هیلاری کلینتون عملاً باز به راست خود چرخیده است و تلاش دارد یا نیروهای میان دو حزب و بخشی از جناح جمهوریخواه را که در مقابل ترامپ قرار گرفته است به طرف خود جلب کند. از طرف دیگر و با هر "بمب تبلیغاتی" که در ماه اکتبر منفجر میشود، ما شاهد سقوط بیشتر کل مباحث جاری در این انتخابات هستیم.

در این انتخابات جریان ترامپ خواهان گسترش سیاست قدر قدرتی و قلدری میلیتاریستی آمریکا است. خواهان لغو همان یک ذره بیمه درمانی است که در دوران اوباما تصویب شده است. خواهان تقلیل نرخ مالیاتی ۱ در صدی های جامعه و اخراج حدود ده میلیون کارگر مهاجر مکزیک در آمریکا است.

و در طرف دیگر، هیلری کلینتون خواهان حفظ وضع موجود است. سیاستهای علی العموم در جناح راست سیاستهای جناح اوباما قرار دارد. نیروی جنگ طلب تری است. این تصویر انتخابات در آمریکا است.

**انترناسیونال:** چند روز قبل افشا شد که دانالد ترامپ با وجود ثروت

کرد، باید جنبشهای اجتماعی اعتراضی از پایین را سازماندهی کرد.

**انترناسیونال:** در جدال های انتخاباتی آمریکا آنچه که کمتر مطرح میشود، مسائل و معضلات مهم سیاسی و اجتماعی در آمریکا و در دنیا و مسائلی نظیر جنگ، فقر، آوارگی و بیکاری است. این مسائل چه جایگاهی در جدال های انتخاباتی آمریکا دارد؟

**علی جوادی:** در این بخش از انتخابات آمریکا ما کمتر شاهد بحثی پیرامون مسائل اساسی و پایه ای گریبانگیر جامعه آمریکا و یا مسائل و معضلات بین المللی از منظر نمایندگان طبقه حاکمه آمریکا که معمولاً سوزده هر انتخاباتی است، هستیم. یک علت اصلی و ویژگی این بخش از انتخابات وجود کاندیدایی تماماً لومپنی است که حتی مرزها و سننهای تاکوننی دموکراسی غربی در آمریکا را به کناری زده است. این گرایش و نماینده آن، دانالد ترامپ، توانسته است کل این انتخابات را حتی با معیارهای دموکراسی به "لجن" بکشد. به همین اعتبار بخش مهمی از تبلیغات و مباحث انتخاباتی پیرامون "شخصیت" دانالد ترامپ و رفتار او متمرکز شده است. ترامپ اکنون چهره نژادپرستی، خارجی ستیزی، پروتشنیسم اقتصادی و قلدری در سیاست آمریکا است. توانسته است به مجرای برای کانالیزه کردن کثیف ترین سیاستها از حاشیه جامعه به بستر اصلی جامعه تبدیل شود.

در دوره قبل از تعیین رسمی نمایندگان هر حزب اصلی آمریکا، حداقل مباحث در بخشی از این رقابتها به درجانی متفاوت بود. وجود یک کاندیدایی که خود را حال به هر اعتباری "سوسیالیست" می نامید، به دوره مقدماتی در عین حال ویژگی خاصی بخشیده بود. مباحثی از جمله افزایش حداقل

نمایندگان اصلی آن بودند اساساً شکست خورده است. سیاست آمریکا در خاورمیانه عملاً شکست خورده است. سقوط بلوک شرق نه تنها منجر به ایجاد موقعیت منحصر به فرد آمریکا در سطح جهان نشد، بلکه ما شاهد شکل گیری بلوک بندیهای جدید و گردنکشی حتی "دوستان" دیروز این نیرو هستیم. تلاش بمنظور شکل دادن به سیاست جهانی واحد و پذیرفته شده آمریکا یک موضوع کشمکش در صفوف نیروهای طبقه حاکمه در این کشور است. حضور بیش از شانزده کاندید انتخاباتی در دوران مقدماتی انتخابات حزب جمهوریخواه آمریکا بیانگر گوشه ای از این واقعیت بود. بطوریکه که هر جک و جانوری شانس خود را در این میان به بوتّه آزمایش قرار میداد. این سردرگمی عمومی تاکنون منجر به ایجاد شکافها و صف بندیهای متعددی در صفوف طبقه حاکمه آمریکا شده است و تا مدتها نیز قابل رفع و رجوع نیستند. دستیابی به یک سیاست واحد پذیرفته شده از جانب محافل اصلی طبقه حاکمه آمریکا منوط به ایجاد تعادل سیاسی جدید در سطح بین المللی است.

از طرف دیگر باید به وجود کاندیدای ویژه ای در این انتخابات اشاره کرد. دانالد جی ترامپ. لومپن - میلیاردری که عزم کرده است به کلید کاخ سفید دسترسی پیدا کند. کسی که از پیش سیاستش را بر مبنای تفرعن قدرت مالی اش، پروتشنیسم اقتصادی، خارجی ستیزی، مسلمان ستیزی، میلیتاریسم عنان گسیخته، و سیاست فردی قلدر منبانه استوار کرده است. چنین فردی امروز یکی از دو کاندیدای اصلی دموکراسی آمریکا است.

این انتخابات بیش از هر دوره ای نماینگر آن است که برای تاثیر گذاری بر سرنوشت جامعه باید از مجرای دیگری عمل کرد. باید سازماندهی کرد، باید اعتراض

کارکن و زحمتکش علی القاعده امکان عملی راه یافتن به این عرصه را ندارند. و این یک ویژگی اساسی دموکراسی غربی است. برای اینکه کاندیدایی امکان مطرح شدن داشته باشد، باید از امکانات مالی بسیار عظیمی برخوردار باشد. ارقام بعضاً سرسام آورند. در دوره قبلی انتخابات آمریکا هر کدام از رقبای حدود یک میلیارد دلار صرف هزینه انتخاباتی خود کردند. با مشتقی تبلیغات به جان جامعه می افروختند و بر این طبل می کوبیدند که راه دیگری جز انتخاب یکی از این دو کاندید نیست. و این داستان همیشگی و ملال آور دموکراسی غربی در آمریکا است. در دموکراسی این اراده توده های مردم نیست که هر لحظه امکان تحقق یافتن دارد. نه! هر چهار سال یکبار جامعه ناچار است افرادی را به جای خود، نمایندگان اساساً غیر قابل عزل را، در راس قوه مقننه و قوه مجریه قرار دهد. اما در همین چهارچوب نیز تمام ارگانها انتخاباتی نیستند. بخش مهم و تعیین کننده ای از تصمیم گیری ها در مجاری غیر انتخاباتی اساساً اتخاذ میشود. به این اعتبار سرنوشت عمومی و نتایج انتخابات در دموکراسی غربی از پیش روشن است. یکی از دو کاندیدای طبقه حاکمه با اختلاف اندکی و با مشارکت بخش محدودی از جامعه از صندوق بیرون می آیند.

اما این انتخابات به درجات زیادی متفاوت است. فاکتورهای متعددی را باید در این چهارچوب برشمرد. قبل از هر چیز باید به چالشها و مصافهایی اشاره کرد که در دوران پس از جنگ سرد و فروپاشی بلوک شرق گریبان خود نیروی پیروز را گرفته است. موقعیت آمریکا در سطح جهان به درجات چشمگیری تغییر کرده است. زوال بلوک شرق در عین حال به معنای افول بلوک غرب و مشخصاً افول موقعیت جهانی آمریکا نیز بود. سیاست جهانی آمریکا که شوکانسرواتیهوا

**انترناسیونال:** یک موضوع اصلی در بحث ها و مسائل مطرح شده در جدال های انتخاباتی در آمریکا اتهام زنی در مورد مسائل جنسی و اخلاقی است. چند روز پیش ویدیویی از ترامپ و سخنان توهین آمیز او به زنان منتشر شد. ترامپ هم اتهام تجاوز جنسی بیل کلینتون را مطرح کرده است. مناظره اخیر تلویزیونی اخیر ترامپ و کلینتون زشت ترین مناظره تاریخ لقب گرفت. روند انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا چه چیزی را نشان می دهد؟

**علی جوادی:** مضحکه انتخاباتی شاید بیان گویا و موجزی برای آنچه در شرف وقوع است، باشد. نه به این اعتبار که احزاب سیاسی قانوناً حق شرکت در این انتخابات را ندارند. نه به این اعتبار که آرای توده های مردم جعبه جعبه با رای مورد نظر دستگاه حاکم تعویض میشود. نه، بلکه به این اعتبار که ما شاهد سخیف ترین تبلیغات در این مرحله از انتخابات هستیم. کثیف ترین اتهامات و لجن مالی کردن رقیب انتخاباتی به نرم سیاسی تبدیل شده است. و آنچه به پشت پرده رفته است، نفس سیاست، افق های متفاوت سیاسی - اجتماعی و آینده ای است که هر کدام از کاندیداهای اصلی احزاب طبقه بورژوازی حاکم در مقابل جامعه قرار میدهند. آنچه در جلوی چشم ما هر روز بوقوع می پیوندد، انتخابات در مهد جهان دموکراسی در دوران حاضر است.

این انتخابات به درجات زیادی از انتخابات دوره های گذشته متفاوت است، اما در عین حال دارای وجوه مشترک بسیار و تعیین کننده ی با انتخابات در دوره های قبل است. این انتخابات قبل از هر چیز انتخابی میان کاندیداهای احزاب طبقه بورژوازی حاکم است. در این انتخابات تنها کاندیداهای اصلی طبقه حاکم امکان پیدا میکنند که در رقابتها انتخاباتی مطرح شوند. نمایندگان و کاندیداهای توده های



## یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

### توحش به توان صد!

نپرداختن شهرییه توحش به توان صد است.

در واکنش به خبر شلاق زدن دانش آموزان مختار آبادی رسانه‌ها و مقامات تلاش میکنند کاسه کوزه را بر سر مدیر مدرسه بشکنند اما شلاق زدن مانند هزاران مورد اعمال خشونت آمیز دیگری که هر روز در جامعه علیه مردم بویژه علیه زنان و کودکان صورت می‌گیرد جزئی از نظام حکومتی و سیستم قضائی اسلامی و کلا فرهنگ و مناسباتی است که این نظام فوق ارتجاعی بر جامعه مسلط کرده است. هراز چند گاهی فاجعه‌ای نظیر شلاق زدن دانش آموزان و یا، چند ماه قبل، محکوم کردن کارگران به ضربات شلاق به "جرم" اعتراض به اخراج و یا به شلاق کشیدن جوانان به "جرم" شرکت در جشن و مهمانیهای مختلط، توجه‌ها را جلب میکند و بعد از مدتی از سر تیزتر خبرها کنار می‌رود اما مبارزه علیه شلاق نمیتواند و نباید موردی و مقطعی باشد. این مبارزه جزئی از جنبش علیه قصاص و کل سیستم قضائی اسلامی است که باید همانند مبارزه علیه اعدام بطور پیگیر و مستمری به پیش برده شود. شلاق را باید به‌مراه کل سیستم قضائی اسلامی و کل نظام جمهوری اسلامی به موزه تاریخ توحش سپرد.

یک خبر تک‌اندنده هفته گذشته خبر شلاق خوردن دانش آموزان بجرم عدم پرداخت شهرییه بود. خبر حاکی از آنست که مدیر یک مدرسه در روستای مختارآباد در استان کرمان دانش آموزانی که توان پرداخت شهرییه را نداشتند با زدن هشت ضربه شلاق تنبیه کرده و از مدرسه بیرون کرده است. این عمل وحشیانه را باید در صدر لیست جنایات جمهوری اسلامی قرار داد.

بر روی کاغذ دریافت شهرییه از دانش آموزان غیرقانونی است اما خانواده‌های دانش آموزان عملاً مجبورند هزینه تحصیل فرزندانشان را بپردازند و این را همه میدانند. شهرییه نیز مانند انواع باجگیریها و رشوه‌ها و حق الزحمه‌ها و پولهای زیر میزی و روی میزی که باید برای کارهای اداری به مقامات و مسئولین داد هزینه‌ای است که اگر پرداخت نشود کار مردم براه نمی‌افتد. این بخشی از فساد و چپاولی است که سرتاپای نظام جمهوری اسلامی را فرا گرفته است. اما مساله وقتی فجع تر میشود که شلاق نیز به این اجبار عملی افزوده میشود. این نقطه تلاقی فساد حکومتی با قصاص اسلامی است. شلاق زدن "کیفر" نیست، مصداق کامل جنایت و شکنجه است. شلاق زدن هر کس به هر گنا و جرمی عین توحش است و باید متوقف شود. و شلاق زدن دانش آموزان به "جرم"

### قانون کار اسلامی:

## از "باب اجاره" تا "باب ریاضتکشی"

است.

جمهوری اسلامی اولین قانون کار را در باب اجاره نوشت. در آن زمان به خیال خود میخواستند با اتکا به فقه و شریعه و قوانین اسلامی کارگر را به موقعیت اجیر تنزل بدهند و به بیحقوقی کارگر رسمیت ببخشند. اصلاحیه اخیر هم همین هدف را دنبال میکند. این نوعی احیای باب اجاره در شرایط بعد از برجام است. تنها تفاوت در این است که این بار نه از قرآن و فقه و قوانین اسلامی بلکه از بانک جهانی و نسخه ریاضتکشی اقتصادی "الهام" گرفته‌اند. اما همان نیروی که باب اجاره را بر سرشان خراب کرد این بار نیز با قدرت در برابر کارفرماها و دولت اسلامیشان خواهد ایستاد. اصلاحیه اخیر قانون کار نیز سرنوشت بهتری از باب اجاره نخواهد داشت.

لایحه اصلاحیه قانون کار که اخیراً از سوی دولت روحانی مطرح شده تلاش دیگری برای تعرض بیشتر به سطح معیشت و حقوق پایه‌ای کارگران است. این باصطلاح اصلاحیه نیز مانند بقیه مواد قانون کار تماماً ضدکارگری است و در خدمت کارفرماها تدوین شده است. این "اصلاحیه" ای است برای قانونیت دادن به فعال مایشائی کارفرماها و باز گذاشتن بیش از پیش دست آنها در تعیین زمان قرار داد کار، نقض و لغو قرار داد کار، تعیین دستمزدها، اخراج کارگران، اقدامات انضباطی علیه کارگران، انحلال هر نوع تشکل کارگری و غیره و غیره. این تغییرات قرار است شرایط را برای جذب سرمایه‌ها آماده کند و به چرخهای زنگ زده و از کار افتاده اقتصاد ورشکسته و به گل نشسته جمهوری اسلامی تکانی بدهد. این یک پیش شرط برجام و بازگشائی اقتصادی وعده داده شده بوسیله دولت روحانی

## گامی بجلو در مبارزه علیه پرونده سازیهای امنیتی

سراسر کشور به مناسبت روز معلم مورد تاکید قرار گرفت. از سوی دیگر هفته گذشته اعاده دادرسی جعفر عظیم زاده نیز رد شد که مورد اعتراض اتحادیه آزاد قرار گرفته است.

اتحادیه آزاد در بیانیه‌ای پیرامون این مساله می‌نویسد:

"رد اعاده دادرسی جعفر عظیم زاده در شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور در رابطه با محکومیت شش ساله اش و همزمان با آن برگزاری جلسات محاکمه در دادگاههای کیفری و انقلاب شهرستان ساوه بر علیه وی و شاپور احسانی راد، بیانگر اصرار مسئولین قضائی و امنیتی جمهوری اسلامی بر تداوم امنیتی کردن فعالیتهای صنفی - مدنی و دهان کجی به خواست میلیونها کارگر و معلم در ایران و دهها سازمان جهانی و کشوری کارگران سازمانهای حقوق بشری در سطح جهانی برای پایان دادن به امنیتی کردن فعالیتهای صنفی - مدنی و برداشتن اتهامات امنیتی از روی پرونده های فعالین این جنبشهاست."

این اظهارات و بیانیه‌ها از سوی نهادها و فعالین جنبش معلمان و کارگران آغاز دور تازه‌ای در مبارزه برای لغو اتهامات امنیتی را اعلام میکند. لغو اتهامات امنیتی و توقف پرونده سازیهای امنیتی یک امر مبرم و مشترک جنبش کارگران و جنبش معلمان و فعالین همه جنبشهای اعتراضی است. تحقق این خواست برحق و پایه‌ای در گرو مبارزه متحد و پیگیر کارگران و معلمان و فراخواندن فعالین همه جنبشها به این مبارزه است.

بدنبال تایید حکم شش سال زندان اسماعیل عبدی وی در پیامی از کانون صنفی معلمان خواسته است که در آستانه تشکیل مجمع کانون صنفی اولویت نخست معلمان باید برگزاری این مجمع باشد و انتظار این است که این مجمع بدون کمترین حاشیه و اثرگذاری از حکم ابلاغ شده به اینجانب برگزار شود."

بی شک مجمع کانون صنفی باید به بررسی مجموعه‌ای از خواستههای معلمان و راه‌های پیگیری و تحقق این خواستهها بپردازد، اما یکی از موضوعات مهم و قابل بحث در مجمع مساله تایید محکومیت اسماعیل عبدی است.

محمد خاکساری از موسسین کانون صنفی بدنبال تایید حکم عبدی می‌نویسد: "در حالی که ۶روز به مجمع عمومی کانون صنفی معلمان مانده است. مسئولان امنیتی خواسته‌اند ... به داوطلبان هیات مدیره این پیام را بدهند که هر همکاری عضو هیات مدیره شود چنین عواقبی دارد."

جواب معلمان به این "پیام" مسئولان امنیتی "تاکید بر خواست توقف پرونده سازیهای امنیتی برای فعالین جنبش معلمان و کارگران و همه فعالین جنبشهای اعتراضی است.

حذف اتهامات امنیتی از پرونده فعالین جنبش معلمان و کارگران یکی از خواستههای پایه‌ای بود که اسماعیل عبدی به‌مراه جعفر عظیم زاده در بیانیه مشترکشان در روز جهانی کارگر اعلام کردند. این خواست برحق و پایه‌ای در هفته گذشته در بیانیه شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان

**به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید**

# کارگران در هفته ای که گذشت

## شهادت دانشفر

### ۵۰۰ هزار نفر به جمعیت بیکاران اضافه شد

همزمان با اعلام نرخ بیکاری دو و نیم میلیون نفری توسط مرکز آمار و وزارت کار، گزارش های جدید مرکز پژوهش های مجلس نشان میدهد که نرخ بیکاری در سال ۹۴ به حدود ۸،۴ میلیون نفر رسیده است. در این گزارش آمده است که چنانچه برنامه مشخصی برای کاهش نرخ بیکاری پیش بینی صورت نگیرد، پیش بینی میشود که این رقم به ۱۱ میلیون نفر تا سال ۱۴۰۰ برسد.

در قبال آن چیزی که خودشان به آن سونامی بیکاری میگویند، نه تنها برنامه مشخصی وجود ندارد، بلکه هر روز بر میزان بیکاران اضافه میشود. بنا بر آمار رسمی مرکز آمار ایران در سال ۹۵ از جمعیت ۱ میلیون و ۲۵۰ هزار نفری که طی یک سال گذشته به بازار کار کشور اضافه شدند، ۷۴۲ هزار نفر موفق به دریافت کار شدند، ولی حدود ۵۰۰ هزار نفر به جمعیت بیکار کشور اضافه شده اند. و این در حالیست که در جمهوری اسلامی افرادی با هفته ای یکساعت کار نیز جزو جمعیت شاغل محسوب میشود. همچنین با تشدید بحران اقتصادی رژیم و فلج شدن چرخهای اقتصاد هر روز کارخانجات بیشتری به تعطیلی کشیده شد و موجی از بیکارسازیها در جریان است.

این آمارها تکان دهنده است. این ها فقط آمار نیستند، این ها خبر از خیل میلیونی انسانهاییست که بیکارند، بدون اینکه خبری از بیمه بیکاری و هرگونه تامین اجتماعی ای چون درمان رایگان، تحصیل رایگان، تسهیلات لازم برای تامین مسکن و داشتن یک زندگی انسانی برای آنان باشد. و این درحالیست که هر روز اسناد جدیدی از دزدی ها و حقوق های نجومی رو میشود، دارایی های تامین اجتماعی، این مافیای بزرگ اقتصادی را بالا کشیده اند و جمعیت میلیونی بیکاران در بی تمانینی مطلق زندگی میکنند و دولت فقط آمار میدهد و

در نزاعهایشان از خطرات اجتماعی آن به یکدیگر هشدار میدهند. اگر چه این آمارها تمام حقیقت را بیان نمیکند، ولی به روشنی ابعاد فاجعه عظیم بیکاری را که دردی اجتماعی و دامنگیر بخش عظیمی از خانواده هاست، بیان میکند. نکته اینجاست که مبارزه علیه بیکارسازیها، یک عرصه داغ اعتراضات کارگری است. و مهمتر از اینکه جنبش علیه بیکاری دارد به جلو می آید و نمونه های آنرا در شهرهایی چون ماهشهر، آبادان، تهران شاهد بوده ایم. این جنبشی است که ظرفیت جذب حمایتی اجتماعی را دارد و میتواند در اشکال مختلف شکل گیرد و با خواستهای روشنی چون یا کار یا بیمه بیکاری به جلو بیاید. میتواند در مدیای اجتماعی نیرو گرد آورد و به تدارک فراخوانهای اعتراضی سراسری برود. جوانان بعنوان نیروی اصلی این جنبش نقش مهمی در سازماندهی سراسری این جنبش میتوانند داشته باشند.

### شکاف جنسیتی در ایران

براساس گزارش مجمع جهانی اقتصاد در دهمین و جدیدترین گزارش خود، ایران با شاخص شکاف جنسیتی ۵۸،۰ در رده بندی جهانی در میان ۱۴۲ کشور، رتبه ۱۴۱ را دارد که نسبت به سال گذشته چهار پله نیز پایین تر رفته است. بنا بر گزارشات منتشر شده این شاخص از چهار زیربخش مشارکت و فرصت های اقتصادی، نظیر مشارکت زنان و مردان در نیروی کار، میزان درآمدهای متوسط هر جنس، درصد هر جنس در مشاغل رده بالا و رده پایین، دستاوردهای آموزشی، نظیر نرخ سواد و موقعیت آموزشی زنان در سطوح اولیه، ثانویه و سطح دانشگاهی، بهداشت و طول عمر و توانمندسازی سیاسی تشکیل شده است. این آمارها گوشه دیگری از حاکمیت آپارتاید جنسی در ایران و رانده شدن هر روز بیشتر زنان به دامن فقر و محرومیت را بیان میکند. در برابر این حقیقت تلخ، جنبش بالنده رهایی زن را می بینیم.

جنبشی که در کوچه و خیابان، در خانه و در محیط های کار و در همه جا علیه آپارتاید جنسی و قوانین بربریتش می جنگد. یک خواست مهم این جنبش برابری زن و مرد در تمام عرصه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. این جنبشی است که زنان را در صف جلوی اعتراض علیه جمهوری اسلامی و توحش و بربریت حاکم بر ایران قرار داده است.

### معلمان بازنشسته تا رسیدن به خواستهایشان به تجمعات خود ادامه میدهند

معلمان بازنشسته برای پیگیری خواستهایشان به تجمع در مقابل سازمان برنامه و بودجه برای ساعت ده صبح روز بیست و ششم مهرماه فراخوان داده اند. خواستهای معلمان بازنشسته، خواستهای تمامی معلمان، خواستهای همه کارگران و مردم جامعه است. به هر شکلی که میتوانیم حمایت خود را از این اعتراضات اعلام کنیم. تجمع قبلی معلمان بازنشسته در ششم مهر ماه برگزار شد که در آن هزاران معلم از شهرهای مختلف در مقابل مجلس جمع شدند و پیگیر خواستهایشان شدند و با شعارهای معیشت، منزلت، حق مسلم ماست، خط فقر سه میلیون حقوق ما یک میلیون اعتراض خود را به زندگی زیر خط فقر اعلام داشتند.

در این اعتراضات معلمان بازنشسته همچنین با تاکید بر خواست خاتمه دادن به امنیتی کردن آموزش و پرورش و باطل شدن پرونده های تشکیل شده برای معلمان معترض چون اسماعیل عبیدی، رسول بداقی، علی اکبر باغانی و محمود بهشتی و دهها معلم دیگر بطور واقعی از حق شکل، اعتصاب و آزادی های پایه ای در جامعه دفاع کردند. علیه وضع نابسامان آموزش و پرورش، خصوصی شدن مدارس، نا امن بودن مدارس و پایین بودن استانداردها آموزش سخن گفتند. خواستار بیمه کارآمد و درمان رایگان شدند. و در پلاکارد هایشان با شعارهایی علیه حقوقهای نجومی صدای اعتراض

جامعه را به تعجیز و نابرابری و فقر و فلاکت حاکم نمایندگی کردند. شعارهای معلمان بازنشسته در ششم مهرماه پلاشفرم مبارزه آنان برای بیست و ششم مهر ماه است و خواستهای همه معلمان، کارگران و کل جامعه است. وسیعا از این اعتراضات حمایت کنیم.

### روز جهانی کودک و همایش ها در دفاع از حقوق کودک

یک روز مهم در هفته گذشته روز جهانی کودک بود. در این روز مراسم بسیاری در دفاع از حقوق کودک در تهران و دیگر شهرها برپا شد. یک نمونه آن همایش کودکان کار، صلح، روز جهانی کودک در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران بود. سخنرانان این مراسم اکبر یزدی فعال دفاع از حقوق کودک و پیام روشنفکر بودند. در این روز بار دیگر جامعه صدای اعتراضش را علیه کار کودکان و بیحقوقی و خشونت هر روزه علیه این قربانیان توحش سرمایه داری حاکم بلند کرد. در این روز بر خواستهای فوری ای چون ممنوعیت کار کودکان، تامین خانواده هایی که بخاطر فقر و نداری ناگزیر کودکانشان را از تحصیل خارج کرده و راهی کار میکنند، تحصیل رایگان برای همه کودکان، برخورداری کودکان از یک زندگی شاد و انسانی، آموزش و پرورش مدرن و انسانی و ... تاکید شد. برپایی جهانی شایسته برای کودکان، در این روز گفتمان مدیای اجتماعی و گروههای مبارزاتی ای بود که امر هر روزه شان دفاع از حقوق کودک است. بهنام ابراهیم زاده چهره سرشناس کارگری و فعال دفاع از حقوق کودک به مناسبت این روز از زندان رجایی شهر بیانیه ای داده است که در آن ضمن اشاره به همه مبارزاتی که در دفاع از حقوق کودک میشود و کسانی که به جرم همین مبارزات حکم زندان گرفته و تحت فشار و پیگرد قرار گرفته اند، بر ضرورت مبارزه ای فشرده تر در اعتراض به وضعیت وخامت بار کودکان برای یک دنیای بهتر برای آنان تاکید گذاشته است.

### مجمع نیشکر هفت تپه یک قانون داغ اعتراض

مجمع نیشکر هفت تپه نامی شناخته شده نه فقط برای کارگران ایران بلکه در میان بسیاری از سازمانهای کارگری در سراسر جهان است. این کارگران با مبارزات درخشان توانستند سندی کای خود را شکل دهند. توانستند در مبارزه علیه گرو پدیده رایج تعویق پرداخت دستمزدها، الگوهای خوبی از مبارزه را در مقابل جنبش کارگری قرار دهند. این کارگران هر گاه که با تعرض جدیدی از سوی دولت و کارفرمایان روبرو میشوند، از جمله پرداخت دستمزدشان به تاخیر می افتد و یا چماق اخراج بالای سرشان قرار میگردد، با اعتراضی جمعی به مقابله برخاسته و این تعرضات را عقب میزنند. یک نمونه دیگرش در هفته گذشته بود. از جمله صبح روز ۱۹ مهر شمار بسیاری از کارگران این مجتمع در ادامه اعتراضات روز قبلشان مقابل ساختمان مدیریت کارخانه تجمع کردند. اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه به پرداخت نکردن دستمزدها و حق بیمه بیش از ۷۵۰ نفر از کارگران که درخواست بازنشستگی طرح زبان آور آنها تایید شده است، برچیده شدن تعاونی مصرف کارگران، پرداخت نکردن شش ماه بیمه کارگران روزمزد و حقوق بهمین و اسفند ۹۴ و مرداد و شهریور ۹۵ آنان، پرداخت نشدن حقوق مرداد و شهریور کارکنان دایم، تشکیل کمیته انضباطی در کارخانه، قرارداد نداشتن اکثر کارگران روزمزد، علیرغم کار دائمی و مستمرشان، رفتارهای توهین آمیز مدیریت و وابسته اعلام کردن کارگران معترض به بیگانه طی مصاحبه با صدای کرخه؛ پرداخت نکردن بیمه ۲۰۰ کارگر نی بر علیرغم مصوب شدن آن است. در حرکت اعتراضی روز ۱۸ مهر این کارگران در مقابل زورگویی های کارفرما به دفتر حراست این پایگاه سرکوب در کارخانجات، حمله کرده و تمام میز و صندلی ها را به بیرون پرتاب کردند. و هنگامیکه نیروی انتظامی برای متفرق کردن کارگران معترض به زور متوسل شده بود، کارگران درگیر شده و درب اصلی صفحه ۸

## حزب و جنبش های انقلابی

از صفحه ۲

سنتی یا کمونیسم غیرکارگری مینامیم، یکی از تفاوت های این چپ سنتی با ما اینست که در برخورد به حرکتها و جنبشهای اعتراضی در جامعه از تقسیم و دسته بندی جنبشها حرکت میکند. از نظر این چپ جنبشهای دموکراتیک هستند و جنبشهای سوسیالیستی هستند. یک فرمول بندی متافیزیکی دیگر مرحله بندی و تقسیم بندی انقلابها به دموکراتیک و سوسیالیستی است. بزم چپ سنتی اگر مرحله انقلاب دموکراتیک باشد اعتراضاتی که بر سر مسائل دموکراتیک صورت میگیرد قابل دفاع است آنهم به این معنی که باید آنها را به دموکراسی خلق فراخواند. و اگر مرحله انقلاب دموکراتیک نیست آنوقت جنبشها اعتراضی بر سر حقوق دموکراتیک مترقی و قابل حمایت نیستند. این فرمول بندی متافیزیکی و اسکولاستیکی به مارکسیسم و کمونیسمی که ما نمایندگی میکنیم هیچ ربطی ندارد. با این متد چپ سنتی به دو شاخه تقسیم میشود. یک شاخه که مرحله انقلاب را دموکراتیک نمیداند به اینجا میرسد که مبارزه برای "حقوق دموکراتیک" مترقی نیست بجائی نمیرسد، و قابل حمایت و قایل پشتیبانی نیست. این نیروها به یک نوع منزه طلبی و بی عملی مفرط میرسند و تبدیل میشوند به فرقه های عقیدتی - ایدئولوژیک که در هیچ مبارزه ای دخالت نمیکند چون از نظر اینان هیچ مبارزه ای "سوسیالیستی" نیست. اینها ظاهرا منتظر آن روز خیالی هستند که توده کارگر با پرچم مرگ بر سرمایه داری و زنده باد سوسیالیسم به خیابان بیاید. گویا مصائب و تبعیضات دیگر در جامعه ربطی به سرمایه داری ندارد. این شاخه چپ سنتی به پاسیویسم و انفعال مطلق میرسد. شاخه راست چپ سنتی از دموکراتیک بودن مرحله انقلاب به این نتیجه میرسد که باید پرچم دموکراسی را بلند کرد و نوبت مبارزه برای سوسیالیسم هنوز فرا نرسیده. هر دو این گرایشها از متافیزیسم تقسیم بندی مبارزات و انقلابات به دموکراتیک و

بیحقوقی کودک، سرمایه داری یعنی زیر پا گذاشتن حقوق مدنی شهروندان، یعنی سلب آزادی مطبوعات و آزادی بیان و آزادی تشکل و غیره. همه اینها بروزات مشخص سلطه سرمایه است و بهمین دلیل مبارزه با سرمایه داری از مبارزه علیه این مصائب جدا نیست. امر هر کمونیستی اینست که در همه این سطوح با سرمایه داری مقابله کند. بنا به تعریف کمونیسم امری است بر سر رهایی انسان در هر عرصه ای و مبارزه با تبعیض در هر سطحی و این همیشه خط راهنمای حزب ما بوده است.

**سیما بهاری:** جنبشهایی که شما نام بردید مثل جنبش رهایی زن، جنبش علیه اعدام و یا خیلی از جنبشهای دیگری که در ایران مشاهده میکنیم لزوماً افق سوسیالیستی ندارند. و ممکن است فعالین این جنبشها بعد از رسیدن به خواستشان دیگر بمبارزه ادامه ندهند. شما به مساله نگرانی از آلوده شدن به جنبشهای دیگر اشاره کردید ولی آیا فکر نمیکند عجزین شدن با این جنبشها به نوعی سوسیالیسم حزب کمونیست کارگری را کمزنگ و رقیق بکند و به افق سوسیالیستی حزب لطمه بزند؟

**حمید تقوایی:** به نظر من برعکس است. با دخالتگری در این جنبشها میتوان افق سوسیالیستی را به درون جامعه برد و آنرا تقویت کرد. شما کلمه "عجزین" را بکار بردید، این کلمه مناسبی نیست چون عجزین شدن متناظر با حل شدن و یکسان شدن است. ما در این جنبشها دخالت میکنیم نه بعنوان حامی پاسیو و دنباله رو آنها، نه به این دلیل که با آنها عجزین و یکی بشویم بلکه به این خاطر که پرچم این جنبشها را بدست بگیریم، برای آنکه آنها را رادیکالیزه کنیم، برای آنکه همانطور که گفتیم کاری کنیم که فعالین این جنبشها متوجه ریشه مسائل بشوند و دست به ریشه ببرند. و مهمتر از همه برای آنکه حزبی مثل حزب کمونیست کارگری و کلا هر نیروی کمونیستی که در این حرکات اعتراضی فعال است تبدیل بشود به پیشرو و رهبر آن حرکت معین. ببینید اگر مساله کسی مثلاً دموکراسی است و علیه دیکتاتوری

مبارزه میکند یا مساله کسی تبعیض نسبت به زن است یا علیه حکومت مذهبی است باید بداند که رهبر این جنبشها نمیتوانند احزاب غیر سوسیالیست باشند. هیچ حزب لیبرالی و حتی چپ غیرکارگری در دنیا وجود ندارد که واقعا بتواند این مسائل را به نفع مردم حل کند و حتی بطور پیگیری علیه مذهب و یا تبعیض جنسیتی باشد. امروزه نیروهای لیبرال و دموکرات حتی در کشورهای غربی همه طرفدار نسبیست فرهنگی هستند. همه این نیروها، چه دولتها و چه احزاب اپوزیسیون و غیر دولتی، مشغول سازش و مماشات با اسلام به اصطلاح "میان راه" هستند. تنها کمونیستهای نظیر حزب ما هستند که میگویند مذهب خوب و بد نداریم، مذهب میانه رو و افراطی نداریم. که میگویند مذهب چون مذهب است باید دستش از دولت و از شئون اجتماعی و حتی زندگی خصوصی مردم قطع بشود، مذهب رسمی نباید داشته باشیم و غیره. این را تنها کمونیستها میگویند. همانطور که گفتیم ریشه همه مصائب امروز مردم سلطه سرمایه است و مذهب را هم سرمایه داری بجلو رانده است. بنابراین از احزاب بورژوازی نمیشود انتظار داشت، حتی در سطح جنبش سکولاریستی عصر روشنگری و انقلاب کبیر فرانسه، علیه مذهب مبارزه کنند. اینها با بخشی از نیروهای اسلامی علیه بخش دیگری سازش و مماشات میکنند. مذهب را به میانه رو و افراطی تقسیم میکنند و به میانه روها زمینه فعالیت میدهند. این روند را حتی در غرب مشاهده میکنیم. در کشورهای غربی "مذهب میانه رو" بیداد میکند و حتی لیبرالترین حکومتها و احزاب هم کاری با آن ندارند. در غرب و در شرق تنها کمونیستها مبارزه پیگیر علیه مذهب هستند. این را میتوانیید به همه عرصه ها بسط دهید، مساله زن، مساله تبعیضات مذهبی و قومی و حتی مبارزه برای آزادی بیان و آزادیهای بی قید و شرط سیاسی. از راستها و چپ غیر کارگری تا سازمانهای لیبرال و حتی طرفدار حقوق بشر همه برای آزادی قید و شرطهایی دارند. بسیاری از این

نیروها معتقدند شما آزادید به شرطی که به مقدسات مذهبی و یا مقدسات ملی توهین نکنید، به شرطی که از تمامیت ارضی دفاع کنید، به شرطی که به پرچم بی احترامی نکنید و غیره. اینها همه قید و شرطهای عملی و قانونی ای هست که آزادیها را سلب و نفی میکند. تنها ما کمونیستها طرفدار آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان و تشکل هستیم. اگر کمونیستها با روش و متد و سیاستی که توضیح دادم در جنبشهای اعتراضی جاری شرکت نکنند این جنبشها نمیتوانند به پیروزی برسند. بدون رهبری چپ بدون رهبری کمونیستها جنبش رهایی زن، جنبش سکولاریستی، جنبش برای آزادیهای سیاسی، جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی و حتی جنبش برای لغو اعدام به نتیجه نخواهد رسید. همین امروز در بسیاری از کشورهای دنیا حتی در غرب هنوز اعدام وجود دارد. به این دلایل است که من فکر میکنم دخالتگری کمونیستها در این جنبشها هم آنها را تقویت میکند و به پیروزی میرساند و هم کمونیستها را تبدیل میکند به یک نیروی پیشرو و رهبر و سازماندهی که توده های مردم، بقول جنبش اشغال نود و نه درصدی ها، به آن پیوندند و رهبری اش را بپذیرند. این دو در هم تنیده است. پیشروی و پیروزی جامعه در هر کدام از این عرصه ها ئی که اشاره کردم همخوان و همراه و در ارتباط مستقیم است با پیروزی کمونیسم در جامعه. این دو را نمیشود از هم جدا کرد. بنابراین باید گفت که درست برعکس این تصور چپ سنتی سوسیالیسم ما با شرکت در این جنبشها نه تنها رقیق نمیشود، بلکه راه پیشروی و تقویت و پیروزی سوسیالیسم در جامعه اینست که ما با تمام قوا در این جنبشها شرکت کنیم و برای بدست گرفتن رهبری اش تلاش کنیم.

**سیما بهاری:** آیا این تنها و نظراتی که شما اینجا مطرح می کنید در حزب کمونیست کارگری جدید هستند؟ آیا حزب هم باید تغییراتی بکند تا بتواند به آنچه شما انتظار دارید تبدیل بشود؟

**حمید تقوایی:** برای حزب ما اینها

## حزب و جنبش های انقلابی

از صفحه ۷

نظرات تازه ای نیستند. همانطور که اشاره کردم این فعالیت و دخالتگری وسیع و همه جانبه جزو تعریف کمونیسم کارگری و هویت کمونیسم کارگری است. شما اگر به اسناد پایه ای کمونیسم کارگری مثل تفاوت های ما یا سمینارهای منصور حکمت در مورد جنبش کمونیسم کارگری رجوع کنید می بینید این بحثها آنجا مطرح شده است. نقد ما به چپ سنتی، چه چپ فرقه ای منزله طلب و پاسیو و چه چپ پوپولیستی که خودش را در مبارزت خلق حل میکند در این نوشته ها و ادبیات کمونیسم کارگری مطرح شده است و ما همیشه بر دخالتگری بعنوان یک خصوصیت پایه ای کمونیسم کارگری تاکید کرده ایم. از این نقطه نظر این بحث تازه نیست. شاید آنچه تازه است برجسته کردن این خصوصیت و متد کمونیسم کارگری و تئوریزه کردن آن است بویژه در نقد چپ سنتی، چپ پوپولیست، چپ غیر دخالتگر و منفعل و منزله طلب، چیزی که در غرب به آنها چپ لوناتیک گفته میشود. در مقابل اینها و در تمایز با اینها است که ما یکبار دیگر بر این روش و متد تاکید میکنیم. این امر بخصوص در این دوره مهم است چون جامعه ایران دارد می جوشد. چون در مقطع حاضر در شرایط سیاسی ایران بیش از هر زمان دیگر ما شاهد گسترش اعتراضات هستیم. در ابعاد وسیعی مردم اعتراض و مبارزه میکنند، جنبشهای حق طلبانه متعددی در عرصه های مختلف شکل گرفته است و به این خاطر این بحث روش برخورد با جنبشها اعتراضی دوباره مطرح و برجسته و تعیین کننده میشود.

**سیمای بهاری:** بعنوان سؤال آخر رابطه این جنبشها و اعتراضات با انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی چیست؟ آیا انقلاب ادامه جنبشهای اعتراضی جاری در جامعه است؟

**حمید تقوایی:** انقلاب ادامه خطی و یا مکانیکی این جنبشها نیست. انقلاب خود جنبش دیگری است. جنبش برای سرنگونی. انقلاب وقتی

اعدام و علیه مذهب را در مصر دوره حسنی مبارک بلند کرده بودند شانس بیشتری داشتند برای آنکه در جلوی صف انقلاب قرار بگیرند و اجازه دهند مساله قدرت سیاسی در مصر بعد از حسنی مبارک بدون حضور و اعمال قدرت آنها تعیین تکلیف بشود. با این مثال میخواهم نشان بدهم که رابطه دینامیک و اجتماعی ای وجود دارد بین جنبشهای اعتراضی در یک جامعه در شرایط عادی با شرایط انقلابی و انقلاب و تعیین تکلیف قدرت سیاسی در آن جامعه. متد و روشی که من توضیح دادم در عین حال روشی هست برای کسب هژمونی و کسب رهبری انقلاب. برای آنکه فردائی که در جامعه انقلاب شکل گرفت - و در جامعه ایران مطمئن باشید این روز بزودی فرا خواهد رسید - اولاً جامعه از نظر خواستها و مطالباتش باندازه کافی آگاه و رادیکال و فعال باشد که اجازه ندهد نیروهای راست و ارتجاعی یک بار دیگر انقلاب را مصادره کنند و به شکست بکشاند و ثانیاً شرایطی بوجود بیاید برای اینکه نیروهای کمونیست انقلابی مثل حزب ما که پرچم خواستهای برحق مردم را در مبارزات و جنبشهای جاری در جامعه مردم بلند کرده است در شرایط انقلابی بتواند به نیروی پیشرو و رهبری کننده انقلاب تبدیل بشود. و به این معنی پیروزی انقلاب آتی در ایران تضمین شده باشد.

## کارگران در هفته ای که گذشت

از صفحه ۶

ورودی و زده های جانبی آن به علت مقاومت کارگران و گرفتن زده ها به عنوان ستون و تکیه گاه از جا کنده شدند. کارگران خواستار خارج شدن هر چه زودتر نیروی انتظامی از کارخانه شدند.

اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه نمونه ای از فضای پر التهاب محیط های کارگری است. در هفته گذشته علاوه بر مجتمع نیشکر هفت تپه کارگران، اعتراض کارگران در کارخانه فوآلیاژ ازنا در اعتراض به

## انتخابات یا مضحکه؟

از صفحه ۴

میلیاردی چندین سال است که مالیات پرداخت نکرده است. او خود به دفاع از این امر پرداخت و آنرا استفاده درست از سیستم مالیاتی دانست. بنظر میرسد که رقیب او در این مورد پاسخ قانع کننده ای ندارد. نظر شما در این مورد چیست؟

**علی جوادی:** اقدام ترامپ برای فرار از پرداخت هر نوع مالیات به دولت "فدرال" بهره برداری از مواهبی است که سیاست مالی آمریکا برای طبقه حاکمه و امثال ترامپ فراهم کرده است. جالب این است که شخصاً به این واقعیت اذعان دارد که سیاستمداران طبقه حاکمه چنین مزایایی برای امثال او فراهم کرده اند. درست میگوید!

این مساله در عین حال نشانگر این واقعیت پایه ای است که چگونه طبقه حاکمه از جیب توده های مردم، از دسترنج توده های کارکن، مخارج چرخش ماشین دولتی اش را تامین میکند. و این در شرایطی است که درصد پرداختی مالیاتی این اقلیت انگلی بر مراتب کمتر از هر کارگر ساده ای در این جامعه است. ترامپ در عین حال که خواهان تقلیل نرخ مالیاتی سرمایه داران، طبقه حاکمه و یک درصدی ها در جامعه است، در عین حال خواهان گسترش ماشین نظامی و جنگی آمریکا است. سیاستی که عملاً منجر به تقلیل بودجه های خدماتی و آموزش و مسائل اجتماعی خواهد شد و عملاً منجر به تحمیل فشار بیشتری بر توده های مردم

زحمتکش در جامعه خواهد شد. انترناسیونال: با وجود گسترش رسانه های اجتماعی که امکان افشای مسائل پنهان را بسیار راحت کرده است، شاهدیم که ارائه آمارهای غیرواقعی و ارائه روایات جعلی و نادرست از مسائل خیلی بیشتر شده است و دروغگویی های بسیاری که بعضاً خیلی زود افشا میشوند. نمونه این مسائل را در انتخابات آمریکا شاهدیم. بنظر شما این مسئله چه دلیلی دارد؟

علی جوادی: یک علت گسترش بازار جعلیات و لجن پراکنی های سیاسی در این دوره ناشی از وجود حضور راست ترین و لجن ترین کاندید حزب جمهوریخواه در این دوره از رقابتهای انتخاباتی است. ترامپ بارها اعلام کرده است که اگر در روز روشن در خیابانها نیویورک به شخصی تیراندازی کند، بازم رایبی از دست نخواهد داد.

بعلاوه مساله این نیست که رسانه های اجتماعی قادر به جلوگیری از پخش جعلیات و دروغ پردازیهای این نیروها نیستند، مساله این است که خود این رسانه ها عملاً بازوی پخش جعلیات و بنگاههای دروغ پراکنی اند. در دوران کنونی علاوه بر دستگاه مافیایی مذهب، ما با رسانه هایی رو برو هستیم که عملاً نقش مشابهی مانند دستگاه مذهب را عهده دار هستند.

رسانه های بستر اصلی در کنار دستگاه سرکوب و دستگاه قضاییه از ارکان اساسی حفظ کنترل حاکمیت طبقه حاکمه اند. این طبقه را با کل دستگاههای متعدد آن باید تغییر داد.

دبستانی گیلان در اعتراض به بلاتکلیفی خدماتی خود در مقابل استانداری، اعتصاب دو ساعته کارگران کارخانه نوشابه سازی زمزم کرمانشاه بخاطر تعویق پرداخت دستمزدها، ادامه اعتصاب کارگران پتروشیمی ارون در اعتراض به کاهش حقوقها، ادامه اعتراضات کارگران پتروشیمی پردیس از جمله سرتیتر های مهم اخبار کارگری بودند. اعتراضات کارگران هر روز گسترده تر و سازمان یافته تر به جلو میروند.

بیکار سازی ها و کاهش سطح دستمزدها، تجمع کارگران کارخانه اشی مشی شلمزار در اعتراض به عدم پرداخت ماه ها حقوق در مقابل استانداری چهارمحال و بختیاری، تجمع اعتراضی کارگران اخراجی پتروشیمی جم مقابل مجلس به همراه خانواده هایشان با خواست پرداخت فوری طلبهایشان و بازگشت آنها به کار، اعتراض کارگران صنایع معادن و فلزی خلیج فارس به واگذاری بخش اصلی کارخانه به پیمانکاری، تجمع مریبان پیش



# عزاداری حکومتی

## سیامک بهاری



در هیئت‌های مداحی و سینه زنی و قمه زنی، با هزینه های نجومی مأمور تبلیغات و ایجاد فضای تخدیر مذهبی می شوند. افشای چک‌های بانکی میلیونی در وجه مدآحان فقط بخش ناچیزی از کل پروژه وسیعی است که جمهوری اسلامی اکیدا به آن نیازمند است.

جمهوری اسلامی با روی گردانی وسیع جوانان و بخش وسیعی از جامعه روبروست. مردم عامل فقر و تباهی روزافزون جامعه را بخوبی می‌شناسند، از مذهب و قوانین مذهبی روی‌گردانند. از جمهوری بی‌کار و بی‌تأمین، آزادی، رفاه و سعادت را حق مسلم خود می‌دانند و از آن محرومند، مانند انبار باروت در ابعاد سراسری آماده انفجارند.

بخش عظیمی از جامعه در فقر و فلاکت تحمیلی حکومت اسلامی غوطه می‌خورد و به دنبال کنار زدن جمهوری اسلامی از سر راه خود برای یک زندگی بهتر است.

جمهوری اسلامی در رقابتی بی‌انتها، بخرج سفره تهی مردم درگیر ماجراجویی در منازعات و جنگهای منطقه است. برگزاری هدفمند مراسم عزاداری مستقما به توجیحات این دخالت‌گری در جنایات و آتش‌افروزی‌های منطقه‌ای توسط جمهوری اسلامی گره می‌خورد.

### اقتصاد عزاداری

تأمین هزینه نجومی نمایش‌ها و مراسم عزاداری و تهیه ادوات و آلات مورد نیاز، از ادوات موسیقی که در شرایط عادی ممنوع و قاچاق محسوب می‌شود و برای اجرای پر سر و صدای مذهبی مجاز اعلام شده است، تا نثری‌پزی هیئت‌های عزاداری که همگی زیر نظر سازمان تبلیغات اسلامی اداره می‌شوند با ارز و هزینه دولتی و در دست رانت خواران خودی، امکان پذیر می‌گردد.

روزنامه آرمان در این باره می‌نویسد که: ۷۰ تا ۸۰ درصد بازار پارچه مشکی برای این مراسم، از شرق آسیا، ژاپن، کره جنوبی و چین تأمین می‌شود. این واردات با

چنین حجم عظیمی با اجازه اتاق بازرگانی و مجوز و حواله دولتی میسر است. ایسنا نوشته است: 'گردش مالی مراسم مربوط به بازار محرم و عزاداری به بیش از ۲ هزار میلیارد تومان بالغ شده است. در همین پازه زمانی، قیمت برنج، گوشت و لپه، بین ۳۰ تا ۴۰ درصد گرانتر شده است.

میزان واردات برنج به ۹۱ هزار تن، روغن ۲ هزار تن و ۲۳ هزار تن حبوبات به ارزش مالی ۱۶۰ میلیارد تومان رسیده است. هزینه "نثری" در ده روز اول محرم دو برابر "بودجهی بهزیستی" در یک سال است. طی مدت کوتاهی مراسم نثری پزی سه برابر افزایش یافته است.

این چنین بازاری با چنین گردش مالی در بحبوحه رکود تورمی کمرشکن اقتصادی به سادگی نشان می‌دهد که چگونه دست عناصر حکومتی برای اجرای نمایش‌های مذهبی حکومتی باز گذاشته شده است.

به این ارقام که هنوز بخش ناچیزی از بار اقتصادی این مراسم را نشان می‌دهد باید مخارج آخوندها، مدآحان، روضه خوانان، هیئت‌ها و دستجات مذهبی و خیل لاشخورها و لمپن‌ها و ارادل و اوباشی که اساسا نیروی اصلی و پای ثابت و صحنه‌گردان این مراسم هستند را نیز افزود.

مخارج اجرای مراسم محرم در خارج از کشور توسط دستجات مذهبی اجیر شده سفارتخانه‌ها و وزارت امور خارجه را نیز بخش دیگری از این مجموعه است.

### فرهنگ عزاداری

تزریق مداوم سوگ، ماتم، آندوه، ناله و زاری، تلاش برای سوگوار نگاهداشتن و تخدیر روانی جامعه بخش مهم و قابل ملاحظه‌ای از سیاست اجتماعی جمهوری اسلامی است. این فضا سازی در عین حال بخش عمده و اساسی کارکرد "سازمان تبلیغات اسلامی" به عنوان بازوی اطلاعاتی و امنیتی

کشی و سر بریدن و خوریزی اسلامی بخوبی در این تبلیغات مسموم مشهود است.

جنگ در سوریه، عراق و یمن و رقابت با عربستان سعودی در جنگ نیابتی، تا عدم حضور در مناسک حج، بخش دیگری از این هیاهوی تبلیغاتی به سبک جمهوری اسلام است.

به هر درجه که مطالبات اجتماعی پیشرو، اعتراض علیه قوانین اسلامی تحمیل شده به جامعه رشد می‌کند، دستگاه تبلیغی جمهوری اسلامی برای حفظ نظام و خنثی و منحرف کردن مسیر اعتراضات، ناچار است به درجات بیشتری به فضای ایجاد آندوه و سوگ روی بیاورد. جعل رویدادهای تاریخی، داستان سرائی‌های مذهبی و انواع مراسم و نمایش‌ها، تماما در خدمت این سیاست بکار گرفته می‌شود. انبوهی از مبلغین و مدآحان، اوباش و لمپن‌های نظامی - امنیتی و مجریان سیاسی - تبلیغی در خدمت همین اهداف هستند. و برای اقشار مختلف مردم و مخاطبین خود، با ظرافت دسته‌بندی شده‌اند. از بازار تا دانشگاه، از شهرهای بزرگ تا روستاهای دورافتاده، از لمپنیسم رایج مذهبی مدآحان، تا روشنفکر نمایان دانشگاهی، معمم و مکلا، همه جا، مبلغین مذهبی در اشکال متنوع با امکانات ویژه اعمال نفوذ حکومتی، برای تأمین حاکمیت

نظام، به خدمت گرفته شده‌اند. اما یک وجه دیگر، فرهنگ عزاداری، وحشت بی‌پایان حکومت از پس زدن قوانین و فرهنگ اسلامی توسط بخش وسیعی از جامعه بویژه زنان و جوانان است که خود را در دوقطبی درگیری و جدال

نظام، به خدمت گرفته شده‌اند. اما یک وجه دیگر، فرهنگ عزاداری، وحشت بی‌پایان حکومت از پس زدن قوانین و فرهنگ اسلامی توسط بخش وسیعی از جامعه بویژه زنان و جوانان است که خود را در دوقطبی درگیری و جدال

نظام، به خدمت گرفته شده‌اند. اما یک وجه دیگر، فرهنگ عزاداری، وحشت بی‌پایان حکومت از پس زدن قوانین و فرهنگ اسلامی توسط بخش وسیعی از جامعه بویژه زنان و جوانان است که خود را در دوقطبی درگیری و جدال

# کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و مردم معترض

بیانیه جمعی از زندانیان سیاسی زندان رجایی شهر کمپین علیه تایید ۶ سال حکم زندان برای اسماعیل عبدی

از اخبار مهم کمپین علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و مردم معترض، در هفته ای که گذشت بیانیه جمعی از زندانیان سیاسی و عقیدتی از زندان رجایی شهر و کمپین علیه تایید ۶ سال حکم زندان برای اسماعیل عبدی است.

در هفته گذشته جمعی از زندانیان سیاسی و عقیدتی زندان رجایی به اسامی ابراهیم فیروزی، بهنام ابراهیم زاده، حسین غلامی آذر، زانیار مرادی، رضا کاهه، سهیل بابادی، احمد کریمی، امیر حسنونند سیار، محمد اکرمی، حسین کاکاوند، محمود ناجی، عباس توکلی، اسد محمدی، علیرضا ناصری، طی

بیانیه ای بر روی خواست مشخص لغو اتهامات امنیتی تحت عناوینی چون اخلال در نظم و امنیت ملی و باطل شدن پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری، معلمان و مردم معترض تاکید گذاشتند. این بیانیه ضمن اشاره به محکومیت های یکسال اخیر فعالین کارگری چون محمود صالحی و جعفر عظیم زاده از چهره های محبوب و شناخته شده کارگری

و دو تن از اعضای هیات مدیره سنیکای واحد ابراهیم مددی و داود رضوی، اعتراض خود را به احکام جدید زندان برای فعالین سیاسی نظیر حکم ۱۶ سال زندان برای خانم نرگس محمندی از سوی دفتر قضایی ایران و برای تعدادی از فعالین دفاع از حقوق کودک چون آتنا دائمی و امید علیشاه (۷ سال زندان) و علی و آسو نوری رستمی (۲ سال زندان) اعلام داشته و خواستار لغو تمامی این احکام شده است. این بیانیه همچنین اعتراضی به بازداشت نوکیشان مسیحی و نقض آشکار آزادی بیان شده است. زندانیان سیاسی رجایی شهر در این بیانیه بر خواسته های زیر تاکید گذاشته اند:

– به حملات خود علیه فعالین کارگری و مدافع حقوق کودک، علیه

مردم معترضی که کرامت انسانی می خواهند و به نوکیشان مذهبی پایان دهند. بازداشت انسانها بدلیل عقایدشان، نقض آشکار آزادی بیان است و باید به آن خاتمه داده شود.

– ما به احکام صادر شده علیه کارگران، معلمان و فعالین دفاع از حقوق کودک و همه فعالین سیاسی با برچسب های امنیتی اعتراض داریم و بار دیگر مصرانه در کنار خواست ملغی شدن تمام احکام صادره برای فعالین کارگری، معلمان و فعالین دفاع از حقوق کودک، خواستار برچیده شدن اتهامات امنیتی علیه آنان و آزادی تمامی زندانیان سیاسی هستیم. آزادی تشکل، آزادی اعتراض، و معیشت و منزلت حق مسلم ما مردم است.

– ما از ارگانها و نهادهای حقوق بشری، عفو بین الملل، دیده بان حقوق بشر و هر آزاده ای که به حقوق انسانی می اندیشد می خواهیم که نسبت به احکام صادره برای فعالین حقوق کارگران و معلمان و دفاع از حقوق کودک اعتراض کرده و واکنش جدی نشان بدهند.

کمپین علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان، و مردم معترض هر روز گسترده تر میشود. با تاکید دوباره معلمان بر این خواست، این کارزار شتاب بیشتر به خود گرفته است. تایید حکم ۶ سال زندان اسماعیل عبدی از رهبران معلمان از

سوی شعبه ۳۶ تجدید نظر دادگاه اسلامی در ۱۸ مهر ماه با کفرخواست تجمعات اعتراضی معلمان، این کارزار را وارد مرحله دیگری کرده است. هم اکنون معلمان کارزاری علیه این حکم اعلام کرده اند. و در حالیکه معلمان بعد از مبارزات بسیار موفق شده اند که حق تشکل خود را به دولت تحمیل کنند و در تدارک برگزاری مجامع عمومی کانون های صنفی خود در شهرهای مختلف هستند، یک ابتکار جالب آنان فراخوان به شرکت وسیع در این مجامع به نشانه حمایت از اسماعیل عبدی و اعتراض به تایید حکم زندان وی و همینطور محمود بهشتی معلم دیگری است که او نیز برای اجرای حکمش به زندان احضار شده است.

از سوی دیگر رد خواست اعاده دادرسی جعفر عظیم زاده از رهبران کارگری که به همراه اسماعیل عبدی کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و مردم معترض را دادند و محاکمه او همراه با شاپور احسانی را یکی دیگر از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد با اعتراض شدید اتحادیه آزاد کارگران ایران روبرو شده و این تشکل کارگری با بیانیه ای ضمن محکوم کردن این تصمیمات بر خواست بسته شدن تمامی پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری و معلمان و تداوم این کارزار تاکید گذاشته است.

## عزاداری حکومتی

از صفحه ۹

بخوبی نشان می داد که جمهوری اسلامی چگونه نگران بریاد رفتن نقشه های سیاسی خود در روزهای است که قرار است عزاداری و انبوه را در ابعاد وسیعی بر مردم تحمیل کند.

لغو کنسرتها يك نمونه روشن دیگر است. عطش و استقبال مردم و بویژه جوانان برای شرکت در کنسرت ها، علیرغم همه محدودیتها و موانع ایجاد شده و بدون هیچ امر و دستور دولتی، يك بخش دیگر از شکست حاکمیت در همراه کردن مردم با سیاستهای اسلامی و عقبمانده است.

جمهوری اسلامی بارها و بارها، آشکارا به شکست و ناکامی خود در به عقب زدن مردم و تحمیل قوانین و رسوم اسلامی اذعان و اعتراف کرده است. علیرغم سر و صدا و هیاهوی جمهوری اسلامی و پر رنگ و لعاب کردن مراسم عزاداری، انزوای حکومتی و شکست در همراه کردن مردم با سیاستهای حکومتی را به روشنی نشان می دهد.

جمهوری اسلامی با برپایی مراسم دولتی و حکومتی بیش از هر وقت دیگر شکنندگی و ضعف خود را در همه طبل و سنخ و ضجه های عزاداری آشکار می کند!

حشمت جمهوری اسلامی با حقیقت مسابقه فوتبال و تجمع مردم در استادیوم و کابوس شادی مردم در صورت برنده شدن تیم ملی فوتبال کل ارکان حکومتی را به لرزه انداخت. تبدیل استادیوم به تکیه عزاداری و بسیج دستجات سینه زنی و تهیه باندرولهای چند صدمتری

## با اعتراض سراسری ...

از صفحه ۳

شویم. خواستار خاتمه دادن به امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و مردم معترض و باطل شدن پرونده های تشکیل شده برای فعالین اعتراضی تحت چنین عناوینی شویم و بر حقوق پایه ای خود حق تشکل، حق اعتصاب، آزادی بیان و ... تاکید کنیم. و با چنین خواستهایی از چارمان را علیه قانون کار ضد کارگری حکومت اسلامی و لایحه تعرضی دولت تحت عنوان "اصلاح قانون کار" اعلام کنیم.

قانون کار جمهوری اسلامی، قانون



ما همه عبدی هستیم!  
ارباب و تعقیب قضایی،  
امنیتی کردن حق اعتراض،  
نمی تواند صدای ما را  
خاموش کند!  
جای معلم مبارز در زندان  
نیست!

شریعه اسلامی، قانون آپارتاید جنسی، قانون فاشیستی و قومگرایانه و قانون بردگی کارگر است. در قانون کار جمهوری اسلامی، حق تشکل، حق اعتصاب، حق تجمع، حق نمایندگی شدن کارگر، حق نظارت و بازرسی خود کارگران بر شرایط کارشان و تمامی آزادی ها و حقوق پایه ای آنان نقض شده است. قانون کار جمهوری اسلامی، در کلیت ضد کارگر و قانون بردگی است. "اصلاح قانون کار"، تلاشی از سوی حکومت برای تحمیل بردگی بیشتر به کارگران و کل جامعه است. باید کل این بساط توحش و بردگی جارو شود.



## بمناسبت ۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام برای جهانی فارغ از اعدام و جنایت



خواست لغو مجازات اعدام همه جا فراگیر شود. در مبارزه علیه اعدام باید به کمک خانواده و مادرانی شتافت که برای لغو این مجازات ضد انسانی تلاش می کنند. ما در مقابل اعدام و خشونت دولتی از زندگی و شرایط بهتر زندگی برای همه انسانها دفاع می کنیم.

هرمزرها - مسئول کمیته بین المللی علیه اعدام  
حسن صالحی - سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام  
۱۰ اکتبر ۲۰۱۶ - ۱۹ مهر ۱۳۹۵

اعدام و جنبش بخشش دو جلوه مهم آن هستند. وجود این جنبش و فشارهای بین المللی باعث شده است که بر سر ادامه اعدامها در ایران بویژه اعدامهای مرتبط با مواد مخدر در میان حکومتیان شکاف ایجاد شود.

در ایران به یمن تلاشهای فراوان ما موفق شدیم که سنگسار را عملاً لغو کنیم. در باره لغو مجازات اعدام نیز می توانیم گامهای بلندی به جلو برداریم. به این منظور لازم است

مولد جرم و جنایت است. بشریت در مبارزه با اعدام بسیار جلو آمده است و خوشبختانه در بسیاری از کشورهای دنیا مجازات اعدام ملغی شده است. اما جمهوری اسلامی ایران یکی از کشورهایی است که بعد از چین بیشتر اعدام در سطح جهان را دارد. در ایران طی سی و هفت سال گذشته دهها هزار نفر از مخالفین سیاسی و عقیدتی به جوخه های اعدام سپرده شده اند. صدها نفر با اتهاماتی نظیر رابطه جنسی خارج از ازدواج و همجنسگرایی اعدام یا سنگسار شده اند. عده کثیری به جرم قاچاق مواد مخدر اعدام شده اند. و یا فقط در سه سال گذشته زیر سایه دولت "تدبیر و امید" روحانی حدود سه هزار نفر اعدام شده اند.

در ایران یک جنبش وسیع در مخالفت با اعدام وجود دارد که اعتراض مادران و خانواده ها علیه

به نظام های ستمگر را سر به نیست کنند، به نابودی مخالفان و ناراضیان بپردازند، جامعه را به سکون بکشاند و زنجیر بردگی و اسارت طبقاتی را محکم کنند. اعدام اجرای عدالت نیست، انتقام است. چشم در مقابل چشم است. متعلق به گذشته و قرون وسطی است. اعدام بر خلاف ادعای مدافعین آن، به کاهش جرم کمک نمی کند. برعکس، در جوامعی که اعدام ملغی شده است، آمار جرائم نیز کاهش یافته است. بیشترین اعدام ها در کشورهای ایران، آمریکا، چین، عربستان سعودی و عراق صورت میگیرد و خشونت در این کشورها بیاد می کند. و البته اولین قلم خشونت خود این اعدامها است. راهکار مقابله با جرم و جنایت در جامعه نه اعدام و بکار بردن خشونت دولتی بلکه اقدامات پیشگیرانه و تغییر شرایطی است که

اعدام نام دیگری برای کشتن انسانهاست. قتل عمد است. این عمل به معنای نقض حق حیات است. حق حیات و مصونیت جسمی و روحی فرد از هر نوع تعرض یک حق اساسی است که باید در هر جامعه مورد احترام قرار گیرد. اعدام این حق را از انسانها سلب می کند. اعدام آنجا فاجعه آمیزتر می شود که طی آن عمل کشتن انسان با نقشه از پیش و با اعلام قبلی و با خونسردی انجام می گیرد. انگار نه انگار که جان آدمیزادی گرفته می شود. اعدام یک جنایت سازمان یافته است و دولت و نیروی مسلط بر جامعه که اعدام میکنند، خود مرتکب جنایت میشود. بهانه های این عمل شنیع هر چه باشد، هدف، واحد است: کنترل جامعه از طریق ارعاب! به این معنا اعدام مجازات نیست. ماشین اعدام در طول تاریخ وسیله ای بوده است که با استفاده از آن معترضین

## خارج کشور جای مزدوران حکومت اسلامی نیست!

### گزارشی از تظاهرات مخالفین جمهوری اسلامی در مقابل نمایش عاشورای جمهوری اسلامی در تورنتو

دست تک تک کسانی که این روز را به یک سرشکستگی برای عوامل رژیم اسلامی تبدیل کردند به گرمی می فشاریم.

ایرج رضایی  
۱۲ اکتبر ۲۰۱۶

برنامه از عوامل جمهوری اسلامی بودند که برای باز شدن سفارت جمهوری اسلامی در کانادا مشغول فعالیت هستند. «آقازاده ها»، سرمایه داران نزدیک به مقامات حکومتی و مزدوران حکومت نقش فعالی در این مضحکه عزاداری و اسلامی داشتند.

میدان مل لاستمن تورنتو که محل گردهمایی این مراسم بود شروع شد و به مقصد پلازای ایرانیان حرکت کرد. در طول این مسیر مخالفین جمهوری اسلامی با بلندگوی قوی، سخنرانی و شعارهایی به زبان فارسی و انگلیسی به افشاکاری در مورد جمهوری اسلامی و مراسم ارتجاعی آن پرداختند و مراسم را به صحنه افشاکاری از این حکومت تبدیل کردند.

لازم به توضیح است که شرکت کنندگان در این مراسم ارتجاعی و حکومتی از کشورهای مختلف از پاکستان و هند و افغانستان و ایران و برخی کشورهای دیگر بودند اما سازماندهندگان و مداحان این

جمهوری اسلامی و مراسم ارتجاعی آن پرداختند. عوامل جمهوری اسلامی و برگزارکنندگان عاشورا کاملاً غافلگیر شده و با تاخیر برنامه شان را شروع کردند اما در تمام طول راهپیمایی مخالفان جمهوری اسلامی در جلو آنها حرکت میکردند و با بلندگوی قوی و با شعار علیه جمهوری اسلامی و سران جنایتکار آن کل برنامه را به صحنه افشاکاری علیه حکومت ننگین اسلامی تبدیل کردند. فعالیت مخالفین جمهوری اسلامی چنان قدرتمند بود که عده قابل توجهی از افرادی که قصد شرکت در این مراسم را داشتند از شرکت در آن خودداری کردند.

مراسم عاشورای جمهوری اسلامی در تورنتو با حضور فعال و کوبنده جریانات چپ و کمونیست و مخالفین رژیم اسلامی به شکست کشانده شد. روز چهارشنبه ۱۲ اکتبر عوامل جمهوری اسلامی تلاش کردند با مراسم سینه زنی عاشورا پای جمهوری اسلامی را به خیابانهای کانادا باز کنند. مخالفین جمهوری اسلامی با برگزاری میز اطلاعاتی شب قبل از مراسم عاشورا و پخش صدها نسخه اطلاعیه در پلازای ایرانیان به افشاکاری علیه برگزار کنندگان این مراسم پرداختند و از ابتدای روز ۱۲ اکتبر با سخنرانی و شعار علیه این مضحکه حکومتی و با پخش سرود و موسیقیهای شاد به افشای



## فعالانه به کارزار لغو احکام امنیتی پیوندید

صف کشیده اند متحد و یکپارچه میکنند و اعتراضات را به هم پیوند میدهد.

عبدی، عظیم زاده، ابراهیم زاده و سایر فعالین کارگری و معترض، فعالین میدایی اجتماعی و کلیه زندانیان سیاسی باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند و کلیه پرونده های تشکیل شده علیه فعالین اجتماعی و فعالین اعتصابات و اعتراضات و اتهام اقدام علیه امنیت کشور علیه کلیه آنها باید فوراً لغو شود. حزب کمونیست کارگری کلیه مردم معترض را به گرد آمدن حول این خواست ها و گسترش کارزار برای دفاع از فعالین اجتماعی فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۲ مهر ۱۳۹۵، ۱۳ اکتبر  
۲۰۱۶



نیافته بلکه ابعاد گسترده تری بخود گرفته است. زندان های جمهوری اسلامی به کانون داغ مبارزه تبدیل شده و خواست لغو اتهام امنیتی علیه فعالین ابعادی اجتماعی بخود گرفته است.

لغو اتهام امنیتی یعنی آزادی اعتصاب و تجمع، آزادی تشکل، آزادی بیان و اعتراض. این یک خواست محوری در مبارزات بخش های مختلف مردم علیه فقر و محرومیت و بی حقوقی علیه مفتخوران و جنایتکاران حاکم است. این خواستی است که کارگران و معلمان، دانشجویان و زنان معترض، وکلای پیشرو و فعالین گروه های معترض موسیقی و کلیه مردم آزادیخواه را که به اشکال مختلف در مقابل جمهوری اسلامی

بگیرند. این اتهامات و این احکام علیه همه مردمی است که زندگی شان توسط مفتخوران حاکم به تباهی کشیده شده است.

باید بطور گسترده و همه جانبه در مقابل این تعرضات حکومت ایستاد. فی الحال کارزاری از جانب تشکلهای کارگران و معلمان در دفاع از حق اعتراض به جریان افتاده و لغو کلیه احکام و پرونده های مفتوحه علیه سازماندهندگان و فعالین جنبش های اعتراضی، امروز به یک خواست وسیع اجتماعی تبدیل شده است. در بیانیه های مختلفی که توسط تشکل های معلمان و کارگران و زندانیان سیاسی صادر شده است، جمهوری اسلامی بخاطر انگ امنیتی زدن به اعتراضات کارگران و معلمان محکوم شده است. با دستگیری هر کارگر و معلمی و با پاپوش دوزی و پرونده سازی علیه هر فعال معترضی، دهها فعال دیگر پا به میدان مبارزه گذاشته اند. برای صدها فعال کارگری پرونده ساختند، اما اعتصابات نه تنها کاهش

سرکوب و امنیتی کردن مبارزات کارگران و معلمان است. صدها نفر از فعالین کارگری و معلمان معترض، دانشجویان و زنان و وکلا و مدافعین حقوق کودک و یا فعالین سایر اعتراضات بحق اجتماعی نیز یا در زندانند و یا احکام زندان سنگینی علیه آنها صادر شده است. تنها در طول دوره روحانی برای صدها نفر از فعالین اعتصابات کارگری پرونده امنیتی تشکیل شده است.

اعتراض و تجمع برای دستیابی به زندگی انسانی حق پایه ای همه افراد است. اقدام علیه امنیت کشور و اخلاف در نظم و امنیت ملی «اتهامی است که به فعالین کارگری و معلمان فعال و دیگر فعالین جنبش های اعتراضی زده میشود تا مردم معترض را به سکوت بکشانند. این اتهام زده میشود تا مردم را از حق بیان و اعتراض و اعتصاب علیه جهنمی که به اکثریت مردم تحمیل شده است، محروم کنند و جلو گسترش اعتراض و جلو متشکل شدن مردم معترض را

شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران حکم شش سال حبس اسماعیل عبدی دبیر کانون صنفی معلمان را تایید کرد. اسماعیل عبدی بدلیل فعالیت در دفاع از حقوق معلمان به فعالیت تبلیغی علیه نظام و ماده ۶۱۰ یعنی تبانی برای اخلاف در امنیت کشور متهم شده است. اعاده دادرسی جعفر عظیم زاده دبیر هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران در شعبه ۳۳ دیوانعالی کشور رد شد. او قبلاً به شش سال زندان محکوم شده است. اتهامات عظیم زاده جمع آوری ۴۰ هزار امضا برای افزایش دستمزد کارگران، تشکیل اتحادیه آزاد کارگران ایران، مشاوره به کارگران اعتصابی و اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور است. بهنام ابراهیم زاده از فعالین کارگری و فعال حقوق کودک شش سال است به اتهام تبلیغ علیه نظام در زندان به سر میبرد و جمعا به حدود ۱۳ سال زندان محکوم شده است. جرم بهنام نیز دفاع از کودکان و کارگران است. اینها گوشه کوچکی از فضای

## اعتصاب عمومی در شهر بانه

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

۱۸ مهر ۹۵  
۸ اکتبر ۲۰۱۶

از اعتراضات و تظاهرات مردم شهر میوان و در حمایت از خواست و مطالبات کارگران کولبر مرزی و اعتصاب بازاریان در شهر بانه وسیعاً حمایت کنند.

بنا به فراخوان فعالین و کارگران کولبر مرزی برای اعتصاب عمومی مغازه داران و کسبه شهر بانه که از قبل فراخوان داده شده بود، روز شنبه ۱۸ مهر، مغازه داران و مردم شهر بانه همصدا با فعالین این حرکت و در حمایت از کارگران کولبر مرزی دست به اعتصاب زدند. فراخوان کارگران کولبر مرزی به اعتصاب عمومی در شهر بانه در اعتراض به قتل و جنایت ماموران حکومت اسلامی و در اعتراض به بی حقوقی مطلق رژیم اسلامی علیه آنان است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری به مردم مبارز و شریف بانه درود میفرستد و از مردم شهرهای کردستان و دیگر شهرها میخواهد که



سایت حزب: [www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

سایت روزنه: [www.rowzane.com](http://www.rowzane.com)

سایت کانال جدید: [www.newchannel.tv](http://www.newchannel.tv)

نشریه انترناسیونال: [www.anternasional.com](http://www.anternasional.com)

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

ای میل: [anternasional@yahoo.com](mailto:anternasional@yahoo.com)

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود